



پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۲۷ / سال سیزدهم / آبان ماه ۱۴۰۲ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



گفته بودیم می آییم! اعتصاب کارگران نفت





ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آزر سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۲۷ / سال سیزدهم / آبان ۱۴۰۲ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۸

اخبار بازنگستان ص ۲۲

چه کسانی خواهان نابودی تأمین اجتماعی هستند؟ ص ۲۴

کانون عالی بر ضد بازنگستان! ص ۲۵

اندر ارسال نامه کانون عالی به مجلس! ص ۲۶

اسدی کانون عالی را بهتر بشناسیم! ص ۲۷

از دواج ۲۷ هزار دختر بچه زیر ۱۵ سال ص ۲۸

سیستان و بلوچستان نشانه ناکارآمدی مدیریت کلان! ص ۲۹

زنان در کوبا ص ۳۰

غرور کادب ص ۳۳

قاتلان ویکتور خارا در شیلی محکوم شدند! ص ۳۴

آیا خودکشی یک رویداد شرعی و شخصی است ص ۳۵

شعر ص ۳۷

وقتی مرگ هم طبقه بندی می شود! ص ۳۹

«او خانه دار است، کار نمی کند!» ص ۴۰

سال رشد تولید!!! ص ۴۱

اتحاد و تشکیلات! مهمترین سلاح زحمتکشان! ص ۴۲

شعر آوار ص ۴۳

چرا سندیکاهای کارگری هر روز محدود تر می شوند؟ ص ۴۶

درس هایی از اعتصاب کارگران خودروسازی آمریکا ص ۴۷

مدیران بی برنامه برای بحران سالمندی! ص ۴۹

اثرات ورزش در سالمندان! ص ۵۱

خوشونت در فضای مجازی ص ۵۲

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و

کانال رسمی سندیکا در تلگرام به آدرس

#کانال_رسمی_سندیکای_کارگران_فلز_کار_مکانیک_ایران

مراجعة کنید

منوچهر سراج چهره برجسته مردمی در فیروزکوه و عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به زندان رفت!

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن

منم که دیده نیالوده ام به بد دیدن.

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم

که در طریقت ما کافر است رنجیدن.

میوس جز لب ساقی و جام می حافظ

که دست زهد فروشان خطاست بوسیدن.

منوچهر سراج چهره برجسته مردمی در فیروزکوه و عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به زندان رفت. با توجه به زیر فشار نهادن وثیقه گذار این انسان شریف، منوچهر سراج امروز ۷ آبان ۱۴۰۲ خود را به زندان اوین معرفی نمود تا ۳ سال و ۶ ماه وادار به سکوت شود.

منوچهر سراج از زمره افرادی است که در میان مردم و زحمتکشان فیروزکوه چهره ای مبارز و در خدمت مردم شناخته شده است. اعتراضات او به وضعیت بد کارگران فیروزکوه، آلوده کردن سطح شهر توسط کامیون هایی که پودر معادن را در سطح شهر می پراکنند، سمپاشی های غیر اصولی چراگاههای حیوانات، برداشت غیرقانونی آبهای زیرزمینی و آلوده نمودن آنها توسط صاحبان کارخانه ها، و پناهگاه و تکیه گاه مردم درمانده شهر از ظلم و ستمی که دستگاههای ذیربط به آنان روا می دارند، محبوبيت او را دو چندان کرده است. او را به زندان بردند تا زحمتکشان و مردم محروم بی پناه تنها حامی پیگیر خود را از دست بدهند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن محکوم نمودن زندانی کردن معترضین به اینگونه شیوه مدیریت جامعه، خواهان آزادی همه عزیزان معترض می باشد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۷ آبان ۱۴۰۲

برای دختر سرزمین خوبان، آرمیتا گراوند!



دخترم سنت شان بود زنده به گورت کنند. تو کشته شدی تا ملتی همچنان زنده به گور مدام باشند. ببین، که چه آرام سر به بالش می گذارد او که پول مرگ تو را گرفته و شام حلال می خورد.

تو فقط ایستاده بودی و خوشدلانه نگاه می کردی که به خانه ات برگردی، اما دیگر اتاق کوچک خود را نخواهی دید دخترم، و خیل خیال های خوش آینده تو، بر در و دیوار اتاقت پر پر می زند.

تو خواهی مرد، سیل دخترانی چون تو، همیشه تاریخ را با گیسوان معترض شان پر کرده و می کنند و خواهند کرد. تو دختر کارگرانی هستی که مدام می جنگند برای نان، برای آزادی، برای صلح، برای شادی، برای شعر و موسیقی، برای عشق.

هیات تحریریه پیام سنديکا ۶ آبان ۱۴۰۲

غزه وجدان بشریت!

ریاست محترم فدراسیون جهانی اینداستریال کبیر

و خواهران و برادران عضو فدراسیون جهانی اینداستریال

وضعیت در غزه بسیار وحشتناک است، این نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت با بمباران بیمارستان غزه با بیش از ۱۰۰۰ نفر کشته، هر روز کامل‌تر می‌شود. بیمارستانها، مدارس، خبرنگاران، امدادگران در جنگ از هرگونه تعرضی مصون هستند. در این بحبوحه متأسفانه شورای امنیت اعلام آتش‌بس را در غزه رد کرده است.

لازم است یادآوری کنیم جنگ در غزه از دهه‌ها پیش شروع شده و مختص امروز نیست. مردم فلسطین اگر امروز می‌جنگند برای دفاع از خود و آزادیست که از آنها گرفته شده است. سال گذشته نماینده ایرلند در پارلمان اروپا گفت: «از سال ۲۰۰۸ تاکنون ۳۳ هزار کودک کشته شده است» آری غزه بزرگترین زندان رو باز جهان است. بدترین و مسموم‌ترین آب آشامیدنی دنیا را دارد، ورود مواد غذایی و درمانی باید به مقدار معینی که اسرائیل مجاز می‌داند وارد غزه شود. بارها ماموران سازمان ملل تأکید کرده‌اند که شرایط زندگی در غزه غیرانسانی است. اسرائیل کاترز وزیر انرژی دولت کودک کش اسرائیل در چشم جهانیان خیره شده و می‌گوید: «برق غزه وصل نخواهد شد، شیر آب باز نخواهد شد و هیچ کامیون سوختی به غزه راه نخواهد یافت»

اسرائیل نه تنها منشور حقوق بشر را زیر پا گذاشته است بلکه قطعنامه‌های اسلو، ۲۴۲، ۳۳۸ و دیگر قطعنامه‌های سازمان ملل را نادیده گرفته و با این پاکسازی قومی که از سال ۱۹۴۸ آغاز نموده، بر اساس کنوانسیون ژنو دست به یک جنایت جنگی زده است. از سال ۲۰۰۶ تاکنون غزه در محاصره بوده و این اولین بار نیست که فاشیست‌های صهیونیست مردم را قتل‌عام می‌کنند. از ذهن بشریت هنوز قتل‌عام‌های دیرپاسین، کفر قاسم، صبرا و شتیلا پاک نخواهد شد. اسرائیل با شهرک‌سازی‌های غیرقانونی و تحریک آمیز و مسلح کردن این

شهرک نشینان، مردم غزه را در یک جنگ و گریز دائمی نگه داشته است. دفاع از جان خانواده و سرزمین حق هر انسانی است. سربازان اسرائیلی تاکنون ۱۱ خبرنگار را کشته و به امدادگرانی که در حال بیرون آوردن زنان و کودکان از زیر آوار بیمارستان بودند، حمله کرده اند.

ما نیز تجربه ۸ سال جنگ و بمباران های آن را تجربه کرده ایم و غم بزرگی که امروز وجدان بشریت را آزرده با تمام وجود حس می کنیم.

دوستان زحمتکش، مبارزه با صهیونیسم مترادف با یهودی ستیزی و مردم صلح جوی اسرائیل نیست. بر ماست که با تمام توان از زحمتکشان غزه حمایت کنیم. لذا از رهبری فدراسیون جهانی اینداستریال بزرگ می خواهیم با تمام قوا این جنایات بشری را محکوم و از هرگونه کمکی به مردم غزه مضایقه نکند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

بازنشستگان مستقل و متحد: « بافنده سوزنی /

فلزکارمکانیک / شهاب خودرو / صنعت چاپ / شهر قزوین /

شهر بابل / شهر رامهرمز »

۲۶ مهر ۱۴۰۲ مطابق با ۱۸ اکتبر

ای که یک درصد شده حاکم به خلق فرصت این باند را پایان کجاست؟

چاره آن در جهان همبستگی است ورنه ز آنان تنگ بر ما زندگی است

زنده یاد علی جعفری (کارگر) عضو هیات مدیره اتحادیه کارگران معدن شمشک

کودتا علیه زحمتکشان!

با انتشار برنامه هفتم توسعه، دست پخت اتاق بازرگانی و خیریه نذر و اشتغال اصفهان و مافیاهای مرتبط با زر و زور و تزویر و نظر مثبت کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی و قول همکاری در رابطه با اجرایی شدن این لایحه پس از تصویب با حضور موسوی رییس سازمان تامین اجتماعی در کانون بازنشستگان تهران در روز ۲۵ تیرماه، تلاش برای نابودی دستاوردهای زحمتکشان کلید خورده است.

خبرهایی که از کمیسیون اجتماعی مجلس بیرون می آید بر این موضوع تاکید دارد که نه تنها مواد اعتراضی این لایحه از سوی زحمتکشان حذف نشده است بلکه 150 ماده و تبصره دیگر برای محکم کاری حمله به دستاوردهای زحمتکشان نیز در آن گنجانده شده است.

با واریز شدن حق بیمه ها به جای صندوق تامین اجتماعی به اداره دارایی، فروش ۱۸۰ هزار میلیارد تومان املاک و منابع سازمان تامین اجتماعی در دو سال گذشته با اعتراف سران خانه کارگر، تصاحب بانک رفاه کارگران، اصل ۲۹ قانون اساسی را نشانه گرفته و آن را عملن حذف می کنند. با این کار درمان و مستمری های بازنشستگان در معرض توقف قرار می گیرد.

مافیای لانه کرده در دولت تصمیم گرفته است نه تنها بدهی ۸۰۰ هزار میلیارد تومانی را به صندوق اندوخته های زحمتکشان ایران (تامین اجتماعی) ندهد بلکه کلیه درآمدهای این سازمان را نیز به خزانه خود واریز کند. البته این روند از سالها پیش و با سکوت خانه کارگر و هم کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی کلید خورده بود که با تصاحب بانک رفاه علنی شد.

خواهران و برادران کارگر و بازنشسته

لایحه هفتم توسعه اصل ۲۹ قانون اساسی و دیگر دستاوردهای زحمتکشان را بطور جدی می خواهد از زندگی زحمتکشان محو کند و مهر تاییدی بر استثمار

هرچه بیشتر زحمتکشان بزند. این لایحه دیگر سفره ای برای ما باقی نخواهد گذاشت تا حداقل حقوقی هر سال مصوب شود، مستمری ها در بهترین حالت تا ۱۰ سال دیگر قطع خواهد شد، بازنشستگی ها به شرکت های بیمه ای خصوصی چون آینده ساز منتقل خواهد شد که ورشکسته است، درمان بطور کلی پولی و خصوصی خواهد شد و همه اموال و بیمارستان های تامین اجتماعی فروخته و به خزانه دولت ریخته خواهد شد تا جان خانواده های ما بازیچه پزشکان سرمایه دوست قرار گیرد. وقتی سازمانی درآمدش به جای رفتن به صندوق تامین اجتماعی به خزانه دولت برود، بی تردید نمی تواند به تعهداتش عمل کند به اضافه اینکه دست اداره مالیات باز گذاشته می شود برای گرفتن انواع و اقسام مالیات ها که تاکنون کانون عالی ۵ میلیارد بی زبان از جیب بازنشستگان به دارایی داده است. یعنی با این لایحه گوشت را داده اند دست گربه.

مافیای زر و زور و تزویر همه زندگی ما و آینده فرزندانمان را می خواهد، تا برده داری نوین را با سیاست های نئولیبرالیستی حاکم کنند.

متحد شویم و بر علیه این کودتای خرنده و ضدانسانی را با هر وسیله ای بگیریم!

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

بازنشستگان مستقل و متحد: « بافنده سوزنی /

فلزکارمکانیک / شهاب خودرو / صنعت چاپ / شهر قزوین /

شهر بابل / شهر رامهرمز » ۲۰ مهر ۱۴۰۲

«با حذف یارانه ها از ساختار اقتصاد کشور و جهانی شدن
 قیمت کالاها ، باید دستمزد زحمتکشان نیز جهانی شود.»

زحمتکشان جهان حامی غزه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اتحادیه های کارگری فلسطینی با صدور یک فراخوان از همه کارگران جهان خواستند تا از ساخت سلاح و ارسال آن به مقصد اسرائیل خودداری کنند. به همین منظور طبقه کارگر جهانی برای حمایت از انسانیت در غزه آماده شدند.

۵۰۰ کارگر بندر جنوای ایتالیا با شعار: «جنگ از اینجا شروع می شود» روز جمعه ۱۹ آبان مانع از ارسال اسلحه از بندر جنوا به اسرائیل شدند. اتحادیه کارگران بارانداز ایتالیا در اطلاعیه ای اعلام کردند: «اجازه بارگیری سلاح به مقصد اسرائیل را نخواهند داد».

کارگران بندر سیدنی استرالیا از پهلو گرفتن یک کشتی نظامی اسرائیلی جلوگیری کردند.

در بلژیک کارکنان فرودگاه از بارگیری تسلیحات به مقصد اسرائیل با شعار «:بارگیری و تخلیه تسلیحات به کشتار انسانهای بی گناه کمک می کند» خودداری کردند.

۲۰۰ کارگر کارخانه اسلحه سازی ۱۳ harris کانادا مانع صدور سلاح به اسرائیل شده و دست از کار کشیدند.

کارگران بندر بارسلون اسپانیا اعلام کردند از بارگیری و تخلیه کشتی هایی که مواد جنگی برای اسرائیل حمل کنند خودداری خواهند کرد.

در سیاتل آمریکا فعالان ضد جنگ بندر تاکوما را مسدود کرده تا کشتی آمریکایی در لنگرگاه نتواند تسلیحات بارگیری شده را به سمت اسرائیل ببرد. چند روز قبل هم کارگران بندر اوکلند آمریکا در خلیج سانفرانسیسکو این کشتی را متوقف کرده بودند.

جنایتکاران باید بدانند دیگر جهان برای آنان امن نیست. نمی توان آب، برق، سوخت را به روی مردم بست، بیمارستان ها را بمباران کرد، مدارس را موشک زد، خبرنگاران و امدادگران را با گلوله کشت، به ساختمان های سازمان ملل حمله کرد و مصون ماند. همگی این موارد مصداق جنایت علیه بشریت است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران باز هم همبستگی خود را با مردم فلسطین اعلام کرده خواهان آتش بس فوری و تشکیل دادگاه علیه جنایتکاران جنگی است.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- سودهای ذوب آهن کجا می رود؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تولید ذوب آهن در ۶ ماهه نخست به همت کارگران نسبت به سال قبل افزایش یافته و فراتر از برنامه های پیش بینی شده پیش می رود. همچنین مدیرعامل تاسیکو از سود ۶۰ درصدی در این مجموعه که متعلق به شستا خبر داده است. دیگر هلدینگ های ذوب آهن نیز از سودهای افسانه ای خبر می دهند. کارگران به درستی می پرسند: «چرا این پول ها در ذوب آهن نمی ماند و به کجا می رود؟ مدیر عامل و مجموعه مالی از نبود پول برای اجرای طبقه بندی مشاغل می نالند اما حرفی از این سودهای نجومی نمی زنند. مدیریت حتی از افزایش نیروهای تعمیرکار سرویس های بهداشتی که هر روز کثیف تر شد و کارگزارانش در سال گذشته بازنشسته شده اند شانه خالی می کند و یا از بازسازی رختکن های سطح شرکت به دلیل نبود بودجه می گوید. واقعن مافیای ذوب آهن و مافیای شستا با این پولها چه می کنند؟

۲- اعتراض به غذا در نوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، رسیدگی به بوفه ها و رستوران شرکت از نظر بهداشتی و امکانات موجود آن در مقایسه با هزینه های پرداختی به آشپزخانه مورد اعتراض وسیع کارگران نوب آهنی قرار گرفت، به صورتی که در نامه های متعدد و گاه پرخاشگرایانه کارگران در رستوران هنگام گرفتن غذا، خواهان بالا بردن کیفیت غذای رستورانها، برنامه ریزی جهت افزایش تعداد غذاهای رژیمی و خوراک در منوی غذایی رستوران ها و رسیدگی به بوفه های سطح شرکت از نظر بهداشتی و امکانات موجود آن هرروز بالاتر می گیرد. ابتلا به بیماری های گوارشی که بخشی به دلیل نگرانی های موجود در کارخانه و فشارهای روحی روانی وضعیت معیشتی است اعتراضات و خواسته های ذکر شده را باعث گردیده است.

۳- سرطان بیداد می کند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با خیر شدید متأسفانه وضعیت بهداشتی کارخانه نوب آهن هر روز بدتر می شود. از آلودگی محیط کار تا عدم رعایت نکات ایمنی و جلوگیری از ریزش مواد موجود در کامیون ها در هنگام تردد در خیابان های کارخانه. وقتی این مواد در سطح کارخانه توسط باد پخش می گردد، حتا نگهبان را هم در معرض آلودگی تنفسی، چشمی قرار داده و در معرض سرطان قرار می دهد. نوب آهن جزو کارخانه هایی است که ابتلا به سرطان در آن بیداد می کند و مدیریت کارخانه و افسران طب کار و حتا اداره بهداشت اصفهان هم برای آسیب شناسی این موضوع پا پیش نمی گذارند. چرا که جان کارگر برای مدیریت ننویبیرال ارزش چندانی ندارد.

۴- مجمع عمومی تعاونی یا مجمع دلالان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مجمع عمومی تعاونی مصرف کارکنان و کارگران نوب آهن در تاریخ ۱۰ مهر در آمفی تاتر دانشکده شهید مهاجر اصفهان برگزار شد. در این مجمع عمومی گزارش هیات مدیره از عملکرد خود و مدیر مالی تعاونی گزارش مالی را ارائه دادند. سپس موضوع پاداش هیات مدیره، نحوه پرداخت سود به سهامداران و مجوزهای مورد درخواست هیات مدیره جهت روند اجرایی شرکت تعاونی مطرح و تصویب شد. امین قنبری مدیرعامل شرکت تعاونی گزارش داد که مبلغ ۵۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان تعاونی سود داشته و در مقایسه با سال ۱۴۰۰ رشد ۴۵ درصدی داشته است. پس از سخنرانی ها اعضای هیات مدیره قبلی ب رای گیری دوباره ایقا شدند. لازم به ذکر است که در این تعاونی ۵۰ هزار و ۹۶۱ نفر عضو هستند. آنچه در این میان گفته نشد چگونگی کسب سود است. یکی از راههای کسب سود این تعاونی معرفی اعضای تعاونی به فروشگاههای خیابانی جهت

خرید اجناس مورد نیازشان است. اجناسی که خود تعاونی می تواند ارزان تر تهیه کرده و در تعاونی عرضه کند اما ترجیح می دهد اعضا را روانه فروشگاههای دیگر کند و از این فروشگاهها پورسانت بگیرد. رای به دلالتی و منحرف شدن تعاونی از اهداف اصلی خود که همانا تهیه اجناس به قیمت ارزان برای اعضاست. در نامه ای که بعد از برگزاری مجمع از سوی کارگران معترض، به مدیریت ذوب آهن نوشته شده است چنین می خوانیم: «برنامه ریزی جهت نظرسنجی از عملکرد تعاونی مصرف»



۱- تعاونی مصرف بدون کالا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تعاونی مصرف کارگران و کارکنان ایران خودرو در قفسه های خود کالایی برای فروش ندارد. کارکنان می پرسند: «این تعاونی چرا این همه فراز و فرود دارد. یک زمان بسیار فعال می شود و الان دوباره غرفه ها خالی است» تعاونی مصرف در یک عمل غیر اساسنامه ای بخشی از فضای موجود خود را به غرفه داران کرایه داده و آنها هر زمان که به نفعشان باشد قفسه ها را پر از کالا می کنند و به هر قیمتی هم که بخواهند به کارگران می فروشند. کارگران می گویند باید به روسای این تعاونی به دلیل سفسطه بازی و سرگردان کردن مردم و حیف و میل اندوخته های کارگران جایزه نوبل داد.

۲- هشدارهای سندیکا موثر واقع شد!

چندین سال گزارشات سندیکا در مورد بی کیفیت بودن غذا و گسترش بیماری های گوارشی کارگران نتیجه داد. به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تیمی تخصصی از پژوهشکده بیماری های گوارش و کبد دانشگاه علوم پزشکی بهشتی در مجموعه ایران خودرو مستقر شد تا اطلاعات جمع آوری شده از کارکنان در اختیار آنها قرار بگیرد. این اطلاعات پایش شده و سپس افرادی که برایشان طرح درمان در نظر گرفته می شود از ظرفیت های پژوهشکده در زمینه بیماری های گوارش و کبد بهره مند شوند. یکی از اقداماتی که در پژوهشکده انجام خواهد گرفت پیشگیری از سرطان روده، کبد، معده و کبد چرب خواهد بود. بیماری سرطان

روده در صورت تشخیص زود هنگام کاملن قابل پیشگیری است. با وجود گزارشات متعدد از نارضایتی کارگران و کارکنان از غذاهای طبخ شده و شیوع بیماری های گوارشی در میان کارگران که به صورت مرتب در گزارشات خبرنگاران پیام سندیکا منعکس شد و درخواست های موکد کارگران نسبت به غذاهای بی کیفیت صنعتی طبخ شده در کارخانه بالاخره مدیریت مجبور به آوردن تیم تخصصی بیماری های گوارش و کبد شد. این پیروزی بر کارگران و سندیکالیست های فلزکارمکانیک مستقر در ایران خودرو شادباش.

سندیکا مدرسه آموزشی و مبارزاتی طبقه کارگرست به آن ببیوندیم و از دیگران هم بخواهیم عضویت سندیکا را بپذیرند تا متحدتر و قدرتمندتر در این مبارزه دشوار همگام هم باشیم تا جامعه ای انسانی را برپا کنیم .

۳- کارگر استخدام کنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه ایران خودرو، کارگران خطوط تولیدی طی نامه ای به مدیریت منابع انسانی چنین نوشته اند: «بعد از گذشت چند ماه از بازنشستگی همکارانمان در مجموعه بدنه سازی و افزایش تولید هنوز کسی جایگزین بازنشسته ها نشده و برای متعادل کردن نیروها، فشار بر روی سایر قسمت ها افزایش یافته است. لطفن کارگر استخدام کنید» امسال تعداد ۲ هزار نفر در ایران خودرو بازنشسته می شوند که کار همه این افراد به دوش شاغلین افتاده است و این تعداد به غیر از بازنشستگان سال قبل می باشد. سودجویی کارفرمایان انتها ندارد.

خبرهایی از اعتراضات کارگران نفت و گاز

۱- در جلسه نمایندگان نفت و گاز با مدیر منابع انسانی چه گذشت؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شب گذشته ۲۷ آبان تعدادی از نمایندگان کارکنان نفت اعم از بیمانی، قراردادی، رسمی، ارکان ثالث با دکتر علی مددی مدیر منابع انسانی شرکت ملی نفت دیدار داشته و خواسته های خود را در ۱۷ بند به صورت مکتوب مطرح کردند که آقای مددی با سفسطه و بازی با کلمات تلاش کرد نمایندگان را فریب داده آنان را روانه محل کارشان کند. اما امروز این نمایندگان و بیش از ۵۰۰ نفر از کارکنان در محوطه شرکت نفت تهران او را مجبور کردند به سوالات و مشکلاتشان پاسخ گوید.



آقای مددی که کارکنان را در ابتدای تجمع معطل گذاشته بود با شعار: «مددی حیا کن/ جلسه رو رها کن» روبرو شد. علی مددی در ابتدا اعتراف کرد که با همت کارکنان و کارگران تولید نفت افزایش یافته است. در خصوص ادغام صندوق نفت با دیگر صندوق های بازنشستگی هم اعلام کرد در شرف مرتفع شدن می باشد. در موضوع سقف حقوق هم اعلام کرد با رایزنی های صورت گرفته تا حدی مرتفع شده که کارکنان از ایشان این گفته را قبول نکردند. تجمع کنندگان گفتند در خصوص مشکلات ما کوتاهی می کنید. ایشان گفتند از کجا می داید ما تلاش نمی کنیم در ضمن این مسایل را دولت و مجلس تصمیم گرفته اند صبور باشید. در ضمن وضعیت نیروهای پیمانکاری ما بهتر از دیگر پیمانکاری های موجود است و تا مجلس قانون پیمانکاری را لغو نکرده پیمانکاری وجود خواهد داشت. تجمع کنندگان گفتند ما در حال بازنشسته شدن هستیم چگونه صبور باشیم/ همه چی را به مجلس حواله ندهید موضوعات ما درون وزارتی است/ چرا فروشگاه رفاه را احیا نمی کنید این را هم مجلس باید مصوب کند؟! با عناوین مختلف از سال ۱۳۹۹ مزایای ما را کم می کنید» یکی از کارگران با سابقه نفت گفت: «آقای مددی هرچه زودتر وضعیت حقوق بازنشستگان و شاغلین را با وزارت کار مشخص کنید وگرنه منتظر جواب ما کوبنده ما باشید» پس از بی نتیجه بودن این مذاکرات و اطلاع کارگران سکوهای نفت فلات قاره در مناطق عملیاتی سیری، لاوان، خارک، ملی حفاری در ساعت ۱ بعدازظهر اقدام به تجمع در محل کار کردند.

۲- اعتراضات کارگران نفت فراگیرتر می شود!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با اجحافات صورت گرفته در شرکت نفت، کارگران و کارکنان رسمی و پیمانی بر علیه این بی قانونی ها دست به اعتراض زدند. سه شنبه ۱۶ آبان کارکنان استخدامی سالهای ۹۳ و ۹۴ شاغل در مناطق عملیاتی اروندان و مناطق نفت خیز زاگرس جنوبی، ملی حفاری، پالایشگاه دالان، نفت و گاز آغاچاری و چشمه خوش در محل سکوهای نفتی و محل کار خود دست به اعتراض یک ساعته زدند. این کارگران و کارکنان که از گذاشتن سقف حقوقی و سنوات بازنشستگی ناراحت هستند و بارها به مدیریت

شرکت نفت طی نامه هایی، اعتراض خود را به اینگونه تبعیض ها اعلام کرده بودند و بارها تاکید کرده اند: «اگر قرار است محدودیتی در پرداختی حقوق باشد باید شامل همه مدیران در همه سطوح نیز گردد نه فقط کارگران» کسر بی دلیل مالیات از حقوق ها و همچنین عقب افتادن بک پی (فوق العاده شغل و یا به نوعی سختی کار) هم چنین به ورشکستگی کشاندن صندوق بازنشستگی نفت با گماردن مدیران بی لیاقت و بیرون کشیدن اندوخته های کارگران موجب این اعتراضات گشته است. در همین راستا ۲۰۰ تن از کارکنان رسمی وزارت نفت در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر در مقابل شرکت نفت تجمع کرده خواستار رفع تبعیض ها شدند. خواسته های کارگران به شرح زیر اعلام گردیده است: برداشته شدن سقف حقوق / برداشته شدن محدودیت حق سنوات بازنشستگی/ بازگرداندن مالیات کسر شده مازاد/ اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی/ کف حقوق استخدامی های سالهای ۹۳ و ۹۴ اصلاح گردد/ چون میزان حقوق با وظایف محوله تطابق ندارد/ کم کردن دور پیمانی از ۵ سال به ۲ سال/ دست کثیف مافیای صندوق اندوخته های بازنشستگی کارکنان نفت کوتاه

۳-تجمع اعتراضی کارکنان نفت و گاز آعاجاری!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۴ آبان ۱۲۰ نفر از کارکنان شرکت بهره برداری نفت و گاز آعاجاری برای خواسته های خود دست به تجمع در مقابل دفتر این شرکت زدند. «حذف سقف حقوق و محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اصلاح کف حقوق، اجرای کامل ماده ۱۰، پرداخت بک پی، دست ها از صندوق بازنشستگی نفت کوتاه» مهمترین خواسته های این کارگران است. سخنرانان گفتند: «به استناد کدام قانون برای صندوق غیر دولتی وزیر دولت باید تصمیم بگیرد، اعضای هیات مدیره صندوق نفت باید از اعضای شرکت نفت باشند نه از بیرون به صندوق تحمیل شوند تا به مشکلات صندوق اشراف داشته باشند، چگونه به فرزندانم بگویم این نماینده ای که انتخاب کرده ایم رای به غصب حقوق و پس انداز یک عمرمان می دهد، سقف گذاشتن ظالمانه برای حقوق و غصب صندوق بازنشستگی نفت خط قرمز ماست، وام را افزایش داده اید ولی به کسی وام نمی دهید، فقط در یک شرکت ۷۰

نفره که در صف وام هستند سالی ۳ نفر وام می گیرند این مسخره نیست؟، شرکت ملی حفاری وام خرید مسکن را چند سالی است پرداخت نمی کند چرا؟ میزاد وام افزایش یافته ولی کارکنان از آن محروم هستند. این وام ها به جیب چه کسانی می رود؟ مرتضوی نمی تواند مدیریت کند و پاسخگوی کارکنان نفت باشد و باید عوض شود» در روزهای گذشته کارگران سکوهای فروزان، سیری، خارک، لاوان متعلق به شرکت فلات قاره و همچنین کارکنان ستادی شرکت مناطق خیز جنوب در اهواز دست به تجمع در محل کارزده بودند.

۴- تجمع در پالایشگاه آبادان!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۴ آبان کارگران ارکان ثالث پالایشگاه آبادان در محوطه پارکینگ تجمع کرده و مطالبات خود را چنین بیان کردند: «حذف شرکت های پیمانکاری از پالایشگاه/ تبدیل وضعیت به قرارداد مستقیم/ اجرای طرح اصلاح شده طبقه بندی مشاغل/ استفاده تسهیلات صندوق قرض الحسنه کارکنان رسمی برای کارگران ارکان ثالث/ ساعت کار پنجشنبه ها مطابق کارکنان رسمی/ محاسبه نفت کارت از اول سال/ حل مشکلات شبکاری و پاداش اورهال/ استفاده از امکانات رفاهی ورزشی پالایشگاه برای همه کارگران و کارکنان/ استفاده همه کارکنان از غذای روزانه.» کارگران ساعتی بعد به سرکار خود بازگشتند.

۵- اتحاد، مبارزه، پیروزی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران بهره برداری نفت و گاز آغاچاری امروز دوشنبه ۲۲ آبان نیز برای خواسته های از قبل اعلام شده دست به تجمع زدند. در این تجمع نمایندگان اداره کامپیوتر آغاچاری، کارکنان اداره بهره برداری آغاچاری، کارکنان اداره انسجام خطوط لوله آغاچاری، اداره روابط عمومی آغاچاری، اداره آموزش آغاچاری حمایت خود را از تجمعات صنفی همکاران خود اعلام کردند.

اخبار کارگران پروژه ای



۱- شرکت های بد حساب باید از پروژه ها بیرون انداخته شوند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت سکاف مستقر در ایستگاه گاز شهرستان مهر به پیمانکاری داود اسدی و سرپرست کارگاهی مهندس سلطانی و ریاست کارگاه مهندس مجد تا امروز ۵ ماه حقوق ۱۰۰ کارگرش را پرداخت نکرده است. بیمه های کارگران را بصورت کارگر ساده به بیمه ارسال می کند. غذای بی کیفیت و در حد شخصیت خود به کارگران می دهد. خوابگاه هایش کثیف و پر از سوسک است. به هیچوجه شرایط کمپین ۱۰/۲۰ را در مورد دستمزد و ساعات کار و مرخصی کارگران رعایت نمی کند. با آنکه بارها به کارگران گفته ایم که قرارداد هایشان را طبق کمپین بسته و چنانچه کارفرمایی سر ماه نتوانست حقوق شان را پرداخت کند به کار ادامه نداده و تا پرداخت حقوق در خوابگاهها بمانند اما متأسفانه چنین اتفاق هایی روی می دهد. تا تصویب قانونی برای منع پیمانکاری و بیرون انداختن همه پیمانکاران از صنعت و تولید فعلن برای پیمانکاران بدحساب کار نکنیم و آنها را تحریم کارگری کنیم.

کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها

۲- اعتصاب در شرکت ثمین!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲ آبان ماه کارگران پروژه ای شرکت ثمین با نگرفتن ۴ ماه حقوق دست به اعتصاب زده به خوابگاههای کثیف خود

رفتند. این شرکت زیر مجموعه شرکت پتروپارس است و در منطقه جفیر کار می کند و نه تنها قوانین ۱۰/۲۰ را رعایت نمی کند بلکه با دغلكاری مسایل رفاهی را هم رعایت نمی کند. شرکت ثمین به مدیرعاملی کوروش آهنج و به سرپرستی علی آهنج با کارگزارانشان قرارداد نبسته و روز اول با گول زدن آنان دستمزدی را توافق می کنند و بعد از سه ماه که پدر کارگر را درآوردند حقوقی را پرداخت می کنند که بسیار کمتر از توافق اولیه می باشد.



به اضافه اینکه در خوابگاه کارگران که یک اتاق ۱۲ متری است ۸ کارگر را جا می دهند و غذای افتضاحی را که از آشپزخانه مدیرعامل برایشان آورده می شود را به زور به خورد کارگر می دهند. مدیرعامل برای آنکه بیشتر سود کند خود آشپزخانه ای را تدارک دیده است. کارگران اعلام کرده اند تا تسویه کامل حقوق، به سرکار باز نخواهند گشت. بارها به کارگران گفته ایم و باز هم می گوئیم اگر سر ماه حقوق نگرقتید به کار کردن ادامه ندهید.

۳- شرکت های بدحساب و بی شخصیت را بشناسیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت بدنام و تحریم کارگری شده کیسون در پروژه گل گهر سیرجان ۵ ماه است حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده است و به ۷۰ کارگر اجرایی و ۳۰ کارگر اداری همچنان به دروغ وعده پرداخت حقوق در سر ماه را می دهند، اما چه ماهی؟؟؟ خدا می داند و این شیاطین پول پرست. آقای مهندس آذر میر رییس کارگاه، آقای مهندس خانعلی پور معاون

کارگاه، آقای مهندس اسعدی سرپرست اجرا کمی از خودتان خجالت بکشید که عمه زور شده و دروغ های شرکت بدنام و بی شخصیت کیسون را مدام بلغور می کنید. مگر خودتان زندگی ندارید؟ خرج ندارید؟ که کارگران را با این دروغ های مسخره می کنید؟

دومین شرکت بدحساب و بدنام پیمانکاری اسدی در شرکت پاسارگاد در ۵۰ کیلومتری اهواز به جفیر می باشد. با اینکه از روز اول کاری شرط کرده بودند که حقوق را طبق گفته کمپین ۱۰/۲۰ سر هر ماه تسویه کنند اما در حال حاضر ۳ ماه عقب ماندگی حقوق دارد و هر اعتراضی را هم به حفاظت خبر داده و برای کارگر معترض پرونده سازی می کنند.

بارها به کارگران گفته ایم و باز هم تکرار می کنیم اگر یک ماه حقوق تان عقب افتاد به کارکردن ادامه ندهید.

۴- اعتصاب در شرکت استیم ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با اعتصاب کارگران پروژه ای بعد از ۲ روز حقوق تیرماه کارگران در نیمه شب واریز شد البته با کسر ۶۰۰ هزار تومان تا ۵ میلیون بابت کسر مالیات. مدیر پروژه امروز بعد از مدتها پیدایش شده بود تا خواست حرفی بزند و کارگران را به سرکار باز گرداند، کارگران بصورت یکپارچه و متحد با کمال احترام ایشان را به بیرون کارگاه هدایت کردند و شعار «مدیر نالایق نمی خواهیم» را سر دادند. مدیر عامل پس از شنیدن این حرکت کارگران با کارگاه تماس گرفت و پیغام داد که: «یا برگردید سرکارتون یا اینکه در اونجا رو می بندم» کارگران هم برایش پیغام دادند که: «بیا اینجا رو تخته کن ولی تا زمانی که تسویه حساب کامل نکردی ما در کارگاه خواهیم ماند»

مطالبات کارگران که به ایشان ابلاغ شد: واریز حقوق ها، واریز مالیات کسر شده، عدم ورود سرپرست نالایق حامد شهریور به سایت، معرفی سرپرست کارگاه و مدیر لایق و کار کرده و توانمند. به این ترتیب کارگران طبق گفته سندیکا تا حقوق عقب افتاده شان را نگیرند به سرکار باز نروند گشت.

۵- اعتصاب مساوی با اخراج!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اعتصاب آبان ماه کارگران شرکت اکسین استیل پارس به پیمانکاری محسن منصوری که زیر مجموعه شرکت جهان پارس در معدن مس سرچشمه است به دلیل عقب انداختن ۳ ماه حقوق کارگران صورت گرفت که منجر به اخراج ۸۰ کارگر این پیمانکاری گردید. کارگران پس از قرار گرفتن در لیست سیاه شرکت جهانپارس و تسویه حساب کردن فقط ۵۰ نفر از کارگران، مابقی بدون گرفتن یک ریال از شرکت بیرون انداخته شدند و به آنان وعده پرداخت حقوق تا چند روز آینده داده شد. حتا کارگرانی هم که در اعتصاب حضور نداشته و در مرخصی بسر می بردند نیز شامل این اخراج شدند. به گفته ۳۰ کارگر اخراجی از ۱۵ آبان تاکنون یک ریال به کسی پرداخت نشده است. پیمانکار محسن منصوری تلفن را خاموش کرده و غیب شده است. نه شرکت جهان پارس به سرپرستی افشین محمودی و نه رییس حراست آقای اسدی با آنکه به کارگران قول پرداخت حقوق داده بودند هیچ کدام پاسخ کارگران را نمی دهند. پیمانکار دغلکار به پروژه آورده اند و او غیب شده حالا طبق قوانین به گردن نمی گیرند که پول کارگر را از ۱۰ درصد حسن انجام کار بپردازند و آنان را حواله به پیمانکار غیب شده می دهند. رییس حراست شرکت جهانپارس که سینه سپر کرده بود که: «به ضمانت من بروید یک هفته دیگر پولتان را می گیرید» امروز بعد از گذشت ۱۰ روز می گوید: «به ما ربطی ندارد باید پولتان را از پیمانکار بگیرید» کارگر می گوید: «منکه در خانه بودم دیگر چرا در لیست سیاه قرار گرفته و اخراج شدم؟» آقای افشین محمودی سرپرست شرکت جهانپارس می گوید: «بروید از اداری بپرسید.» مسوولین اداری این شرکت می گویند: «شرکت هر تعداد که به ما اسم بدهد در لیست سیاه خواهیم گذاشت» آقای افشین محمودی پس از، از سر و کردن این کارگران غیب شده و گوشی ش را خاموش می کند. با این موش و گربه بازی مسوولین شرکت جهانپارس که بدحسابی اش در تمامی پروژه ها ورد زبان کارگران است آنقدر بی عرضگی از خود نشان می دهد که حتا نمی تواند از باقی مانده پول شرکت اکسین استیل طبق قانون کار، کارگران را تسویه و بدنامی را برای خودش نبرد. محسن منصوری پیمانکار دغلکار، سرپرست کارگاه افشین محمودی وقتی تلفن خود را پاسخ نمی دهند یعنی فراری از پاسخگویی به کارگر بوده خود را مقصر می دانند. دوستان کارگر باید بدانند که همه پیمانکاری ها و شرکت

ها همیشه ۱۰ درصد از کار انجام شده شان توسط شرکت های بالادستی به عنوان حسن انجام کار نگه داشته می شود و شرکت بالادستی باید دیون کارگران از جمله حقوق عقب افتاده و حق بیمه را از این پول برداشت کرده با کارگران و تامین اجتماعی تسویه حساب کنند. جالب اینجاست که شرکت بدنام و بدحساب جهان پارس امروز آگهی برای استخدام جوشکار ۱۰/۶۰ و فیتز داده است. پول کارگر را نمی دهند و با پُرویی خواهان استخدام کارگر هستند. دوستان کارگر بدانند شرکت جهان پارس، اکسین استیل پارس، محسن منصورى پیمانکار تحریم کارگری هستند و برای کار به این شرکت ها نروند تا اینگونه پیمانکاران و شرکت ها از پروژه ها حذف شوند.

کارگر حامی و متحد کارگر

۶- دغلكاران پروژه را بشناسيم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت محمدیان مستقر در سومار و مهران دغلكاری جدیدی را در پروژه‌ها به راه انداخته است. این شیاد جوشکاران را به سه دسته تقسیم کرده و با تفرقه اندازی حقوق کمی به کارگزارانش می دهد. بطور مثال به جوشکاران درجه ۱ مبلغ ۲۹ میلیون به جوشکاران کم تجربه ۲۰ میلیون و به کمکی هایی که به تازگی جوشکار شده اند ۱۸ میلیون برای ۲۴ روز کار می دهد و به این ترتیب جوشکاران را به جان هم انداخته تا بیشتر کار کنند. هفته ای ۷ بار نهار به کارگران برنج با سویا می دهد شام هم یک سیب زمینی و شب بعد یک عدد تخم مرغ برای هر کارگر می دهد. بیمه کارگران را هم کارگر ساده به بیمه لیست می کند. دوستان کارگر شرکت محمدیان جزو شرکت هایی است که تحریم کارگری شده و از کارگران می خواهیم برای کار به آنجا نروند.

۷- شرکت های بی شخصیت پروژه ها را بشناسيم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت پتروپارس مستقر در پروژه چابهار نه تنها حقوق کمتر از کمپین ۱۰/۲۰ به کارگزارانش پرداخت می کند بلکه حترار عایت قانون کار را نکرده عیدی و سنوات کارگران را هم نمی دهد. همچنین مدیر عامل و مدیر پروژه و سرپرست کارگاه برای آنکه کارگران را برده اخلاق فاسد

خود کنند از آنان برای موارد رفاهی که در اختیارشان می گذارند و یا دادن کار آسانتر، درصد می گیرند. این آدم های بی شخصیت بدترین رفتار را با کارگران داشته و فقط به ظاهر آراسته خود اهمیت می دهند اما بویی از تربیت خانوادگی و انسانیت نبرده اند. در خوابگاههای ۹ متری این پروژه ۳ کارگر زندگی می کنند و چون آشپزخانه متعلق به مدیرعامل است اقتضای ترین و بی کیفیت ترین غذاها به کارگران داده میشود. برای هر ۹ کارگر یک حمام و دستشویی وجود دارد و کمپاس هم فقط جهت نمایش شام و صبحانه پخش می کند. ۳۵ کارگر را داخل مینی بوس کرده مانند برده ها به سرکار می برند و در حال حاضر ۴ ماه حقوق به کارگران بدهکارند. برادران کارگر، برای این افراد بی شخصیت کار نکنیم و اگر در هر پروژه ای یک ماه حقوق ندادند دست از کار کشیده در خوابگاهها بمانیم تا حقوق پرداخت شود و این افراد بی شخصیت یاد بگیرند حقوق را سر ماه پرداخت کنند.

اخبار کارگران فولاد

۱- اعتصاب غذا در فولاد!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به خلف وعده مدیریت گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اجرای طبقه بندی مشاغل، کارگران روز چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۲ در یک تصمیم جمعی از رفتن به سالن های غذاخوری خودداری کرده هر دو شیفت صبح و عصر اعتصاب غذا نموده و به رستوران شرکت نرفتند. ماههاست مدیریت فولاد با سردوندان کارگران از اجرای طبقه بندی مشاغل امتناع کرده و هیچگونه تاریخ دقیقی در مورد اجرای این طبقه بندی به نمایندگان کارگران اعلام نمی کنند. کارگران از مهرماه در خصوص چگونگی شکل

اعتراض به این رفتار کارفرما شور و مشورت را در تمامی بخش های مختلف کارخانه دامن زده و این تصمیم را در ۱۷ آبان به مرحله اجرا گذاشته اند. البته کارگران مهلتی به مدیریت داده تا هرچه زودتر طبقه بندی مشاغل را عملیاتی کنند در غیر این صورت تصمیمات اعتراضی دیگری در این خصوص گرفته و به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد.

۲- گفته بودیم می آییم!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد با صدور اطلاعیه ای دست به تجمع زدند. در این اطلاعیه آمده است: «آغاز فصل تازه ای از اتحاد و همبستگی برای پیگیری خواسته هایمان و به دنبال کارشکنی مدیرعامل گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اجرای طبقه بندی مشاغل و بی پاسخ ماندن برخی مطالبات دیگر، از روز شنبه ۲۰ آبان شمار زیادی از همکاران شاغل در بخش های مختلف شرکت با توقف چند ساعته خطوط تولید در مقابل ساختمان مدیریت تجمع کردند. در این تجمع که با راهپیمایی اعتراضی شکوهمند همراه بود کارگران ضمن سر دادن شعار، یکصدا و متحد خواسته های خود را فریاد زدیم. اجرای فوری طبقه بندی مشاغل و همچنین بازگشت به کار همکار اخراجی مان کریم سیاحی از اهم مطالبات ماست. ما کارگران فولاد/ علیه ظلم و بیداد/ می جنگیم می جنگیم. گفته بودیم می آییم، این آغاز راه است.» به گزارش خبرنگار پیام سندیکا نیروهای حراست تلاش کردند از تجمع و راه پیمایی کارگران جلوگیری کنند که اتحاد کارگران مانع از تفرقه اندازی آنان شد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از خواسته های کارگران فولاد حمایت می کند و خواستار عدم دخالت نیروهای غیرکارگری در این موضوع بوده و برگشت به کار کریم سیاحی را نیز خواستاریم.

۳- فولاد همچنان در اعتصاب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، سومین روز اعتصاب در فولاد اهواز همچنان ادامه دارد. متن اطلاعیه ای که کارگران معترض گروه ملی فولاد منتشر کردند به شرح زیر است: «کارگران گروه ملی فولاد ایران - اهواز روز دوشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۲ برای سومین روز متوالی با اعتصاب چند ساعته در محل شرکت و مقابل ساختمان مدیریت تجمع کردند. خواست ها همچنان همسان سازی حقوق مطابق با دریافتی شرکت های مشابه، اجرای کامل طبقه بندی مشاغل، بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی مهمترین خواسته های ما کارگران فولاد است» کارگران در مقابل ساختمان مدیریت شعار: «نه تبعید نه زندان/ دیگر اثر ندارد - مدیر بی لیاقت/ نمی خواهیم نمی خواهیم» را سر دادند.

اخبار بازنشستگان اتحاد رمز پیروزی است!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، تجمع اعتراضی متحدانه بازنشستگان کشوری و تامین اجتماعی امروز ۳۰ آبان در شهرهای اردبیل، یزد، تهران، اهواز، کرمانشاه، ممسنی فارس، سنندج، ایلام و تهران برگزار شد. این میسر نبود مگر در پرتو تلاش های مجدانه دوستان تامین اجتماعی و کشوری که ابتدا در یک شهر و سپس در شهرهای دیگر در هفته های گذشته صورت گرفت و امروز به صورت هماهنگ در کشور اتفاق افتاد. باید به این بسنده نکرد و این اتحاد را گسترش داد تا از تهاجم سرمایه داری رانتخوار و دلال به دستاوردهای زحمتکشان جلوگیری کنیم.

کرمانشاه محور اصلی اتحاد بازنشستگان

امروز ۳۰ آبان تعداد کثیری از بازنشستگان تامین اجتماعی با همراهی بازنشستگان کشوری و مخابرات در تجمعی با شکوه علیرغم بارش شدید باران و سرما با شعار: «نه سرما نه باران/ نیست جلودارمان» در مقابل اداره کار تجمع باشکوهی را به نمایش گذاشتند. بازنشستگان خشمگین با شعارهای مختلف معیشتی ضمن انتقاد شدید از سیاست های ریاضتی دولت به ویژه لایحه هفتم توسعه و همچنین بی کفایتی نمایندگان مجلس فریاد زدند: «نه مجلس نه دولت/ نیستن به فکر ملت- ما دیگه رای نمیدیم/ از بس دروغ شنیدیم- اعتراض اتحاد/ علیه فقر و فساد» خواستار بهبود وضع خویش شدند. بازنشستگان متحد صندوقهای بازنشستگی در کرمانشاه با فریادی کوبنده؛ بر حق خود جهت تجمعات آتی تاکید داشتند و اعلام کردند تا رسیدن به حقوق حقه خویش از پای نخواهند نشست و آنان که کف خیابان را به ما تحمیل کردند بدانند در گرما و برف و باران، ایستاده ایم تا پایان و دامنه تجمعات را روزبروز تا ستاندن حق خویش گسترش خواهیم داد. سخنرانان از ظلم های رفته به آنان، خواستار مقاومت عظیم جامعه در برابر سیاست های اقتصادی دولت و مجلس ناکارآمد شدند و در رابطه با وعده های پوشالی انتخاباتی، تاکید کردند «عدالتی ندیدیم/ ما دیگه رای نمیدیم» چرا که در سالیان متمادی چیزی جز دروغ، ریاکاری و فریب

از دولت های مختلف و همچنین مجلس بی کفایت نصیب مردم فلاکت زده نشده است. بازنشستگان خستگی ناپذیر کرمانشاه به عنوان سمبل اتحاد با دیگر صندوق ها، تاکید کردند برای حق خواهی خود و رسیدن به معیشت و منزلت واقعی این راه را همیشه و تا هر زمان ممکن ادامه خواهند داد و فریاد زدند: «بازنشسته میمیرد/ ذلت نمی پذیرد» همچنین خواستار آزادی فوری معلمان و کارگران زندانی شدند.

در تهران از ساعت ۸ مامورین پلیس و لباس شخصی ها با ادوات موتوری و ون جلوی وزارت کار پیش از بازنشستگان حاضر شده و از رهگذران می خواستند که توقف نکنند و اگر کسی گوش نمی کرد بازداشت می شد. بیش از ۳۰۰ بازنشسته از کرج، تاکستان، اراک، گیلان نیز به تهران برای اعتراض آمده بودند. از ساعت ۱۰ و ربع به تجمع کنندگان گفته شد به داخل سالن وزارت کار رفته منتظر مسوولین شوند. بخشی از بازنشستگان به داخل رفته یکصدا فریاد می زدند: «وزیر باید بیاید.» بازنشستگان هشدار دادند: «اگر کسی نیامد ساعت ۱۱ سالن را ترک خواهیم کرد» یک نفر هم روی سن رفت و گفت: «ما خواهان پیاده کردن قانون هستیم/ قانون اساسی تأمین معیشت همه اقشار جامعه منجمله بازنشستگان را تضمین کرده ولی اینست وضع زندگی مادی ما/ قانون اساسی گفته درمان باید رایگان باشد ولی اینطور نیست/ اصل ۳۱ در مورد تضمین وضعیت مسکن مناسب برای آحاد جامعه است. اما اینها با وام مسکن ۹۰۰ میلیونی و قسط ماهانه ۳۶ میلیونی خود و مردم را به سخره گرفته اند» بعلت نیامدن شخص مسئول، مردم شروع به ترک سالن کردند که گفتند آقای مولوی معاون وزیر دارد می آید تا به حرف بازنشستگان گوش بدهد. آقای مولوی و چند مدیر به حیاط آمده و مردم را دعوت به سالن اجتماعات کردند. داخل سالن بازنشستگان معترض به قدری عصبانی بودند که به مولوی و یکی از مسوولین صندوق کشوری اجازه صحبت نمی دادند. وسط صحبت های نماینده کشوری یکی از بازنشستگان به مولوی گفت که: «پوزخند شما به صحبت های بازنشستگان مایه نفرت ماست» در این حین وزیر کار (آقای صولتی) آمد. صحبت های او در توجیه وضع موجود بود که شنوندگان نمی پذیرفتند و بارها حرف او را قطع کردند. یکی از بازنشستگان از ایشان پرسید: «آقای وزیر چند هفته است خانواده تان گوشت نخورده است؟» در آخر هم بدون هیچ نتیجه

ملموسی جلسه خاتمه یافت. گرچه وزیر گفت: «ده نفر نمایندگان شما هفته آینده بیایید با من صحبت کنید ولی حاضران به هیچ وجه نپذیرفتند»
 خواسته های قلبی بازنشستگان: «یه اختلاس کم بشه/ مشکل ما حل میشه - وزیر بی کفایت؟ استعفا استعفا- نیاز ما این زمان/ معیشت است و درمان- اجرای همسان سازی/ بدون حقه بازی»

پلیس محترمانه با بازنشستگان رفتار می کرد و بازنشستگان بارها به آنان یادآوری کردند که چند سال دیگر شما هم مجبورید بعد از بازنشستگی به خیابان آمده در کنار ما تجمع کنید. رفتار کارمندان وزارتخانه هم سویه همدلی با بازنشستگان داشت. حضور خانم ها در این تجمع و در کرمانشاه بسیار چشمگیر بود. بازنشسته اسماعیل گرامی همان اول کار دستگیر شد و متاسفانه هنوز خانواده ایشان در مورد وضعیت شان اطلاع رسانی ننموده است.

چه کسانی خواهان نابودی تامین اجتماعی هستند؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با آنکه مخالفت گسترده زحمتکشان علیه لایحه هفتم توسعه هر روز بالاتر می گیرد اما خبرها از صحن مجلس نگران کننده است. به گفته نایب رییس مجلس آقای ذالانوار در زمان بررسی لایحه هفتم توسعه ۹۰ نفر از نمایندگان غیبت داشتند یعنی یک سوم نمایندگان و این به معنای این است که حضور نمایندگان در مجلس برای بررسی این لایحه نمایشی است و نبودشان مهم نیست و از قبل مقرر شده که بر سر این لایحه و آینده زحمتکشان چه ها آورده شود. از سوی دیگر رییس و مدیران سازمان تامین اجتماعی در مقابل دستگاههای دولتی از جمله برنامه و بودجه، وزارت بهداشت، وزارت اقتصاد و دارایی و اتاق بازرگانی سکوت کرده و در مقابل حرکات مجلس حاضر به دفاع از منافع سازمان تامین اجتماعی و بیمه شده ها نیستند. حتا معاون پارلمانی سازمان را هم منع کرده اند تا در دفاع از سازمان تامین اجتماعی در مقابل لایحه ضد کارگری هفتم توسعه واکنشی نشان دهد. کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی فقط یک نامه در مورد متناسب سازی نوشته اند و

همگی به دنبال سر و سامان دادن به امور کارخانه هایشان هستند تا مبادا ضرر کنند. هیات مدیره کانون های بی عرضه بازنشستگی شهرستان ها و استان ها هم به دنبال رانتخواری خود در بیمه آتیه سازان هستند و اهمیتی برایشان ندارد که سازمان تامین اجتماعی را مافیا بالا بکشد. خانه کارگری ها هم فقط به نق زدن اکتفا کرده و به دنبال فرستادن یک بی غیرت دیگر به مجلس برای پشت هم اندازی های خود هستند. تنها بازنشستگان مستقل در شهرهای تهران، کرمانشاه، شوش، رشت، تبریز، اراک، مشهد، اصفهان، قزوین، بابل برای دفاع از منافع خود و آینده فرزندانیشان به میدان آمده اند. خواهران و برادران بازنشسته، شرایط بسیار مخاطره آمیز برای سازمان تامین اجتماعی و آینده ما و فرزندانمان است به دیگر بازنشستگان ببیندیم و علیه این لایحه شوم و مافیا متحد شویم.

کانون عالی بر ضد بازنشستگان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در جلسه انزلی که کانون عالی ترتیب آن را داده بود چه گذشته است؟ چرا سخنرانی ها و تصمیمات گرفته شده در این جلسه را برای عموم بازنشستگان اعلام نمی کنند؟ مگر چه گفته اند و چه تصمیم گرفته اند که نباید به گوش نامحرمان بازنشسته برسد؟ آیا واقعیت دارد که کانون عالی با واریز حق بیمه ها به اداره دارایی نه صندوق سازمان تامین اجتماعی موافق است؟ آیا درست است که کانون عالی قول داده است پیگیر طلب ۸۰۰ هزار میلیارد تومانی سازمان تامین اجتماعی که در واقع اندوخته بازنشستگان است از دولت نباشد و آن را بخشیده است؟ آیا واقعیت دارد که اعضای کارخانه دار کانون عالی موافق طرح استاد شاگردی و افزایش سن بازنشستگی به ۶۵ سال هستند؟ آیا درست است که کانون عالی در جلسه انزلی از قطع مستمری ها در ۱۰ سال آینده و تعطیلی سازمان تامین اجتماعی موافقت خود را به اتاق بازرگانی اعلام کرده است؟ آیا حقیقت دارد که کانون عالی مصوب کرده است بیش از ۳۰ سال بازنشسته ای مستمری نگیرد و اگر کسی تاکنون ۱۹ سال مستمری گرفته است پس از ۱۱ سال دیگر مستمریش قطع شود؟ چرا کانون عالی از شفاف سازی عملکرد خود به ویژه در خصوص درآمدها و هزینه ها هراسان است؟ بازنشستگان از کانون عالی می پرسند پول های ما را چه می کنید؟

اندر ارسال نامه کانون عالی به مجلس!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در تاریخ ۲۳ مهرماه کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی نامه ای به رییس کمیسیون اجتماعی مجلس نوشته در خصوص لایحه هفتم توسعه و در آن درخواست دایمی شدن متناسب سازی حقوق بازنشستگان گردیده است. در این نامه ذکر شده است: « دولت مکلف به تادیه کامل بدهی خود به تامین اجتماعی طی ۵ سال آینده است... » تا تامین اجتماعی بتواند متناسب سازی را اجرایی کند. آنچه از مفاد این نامه بر می آید: ۱- جلسات متعددی در خصوص فقط متناسب سازی و نه همسان سازی حقوق بازنشستگان با این کمیسیون گذاشته شده است. ۲- کانون عالی در این جلسات هیچ اقدام و پافشاری در مورد الزام سازمان تامین اجتماعی به ارایه صفر تا صد خدمات درمانی در این لایحه نداشته است. ۳- با بازنشستگی در سن ۶۵ سالگی موافق است. ۴- موافق واریز حق بیمه ها به اداره دارایی به جای صندوق تامین اجتماعی است. در نتیجه:

الف) محروم شدن سازمان تامین اجتماعی که درآمدش از حق بیمه هاست و باید بخش زیادی از کارکنانش را بیکار کند و دیگر نمی تواند به تعهداتش از جمله ساخت بیمارستان، پرداخت حقوق پزشکان شاغل در بیمارستان هایش و بدهی به داروخانه ها و اجرای همسان سازی را انجام دهد. ب) وقتی درآمدی نداری ورشکسته هستی و افسار تامین اجتماعی و شستا به دست اداره مالیات خواهد افتاد و از دارو و درمان دیگر خبری نخواهد بود و این خواست کانون عالی است.

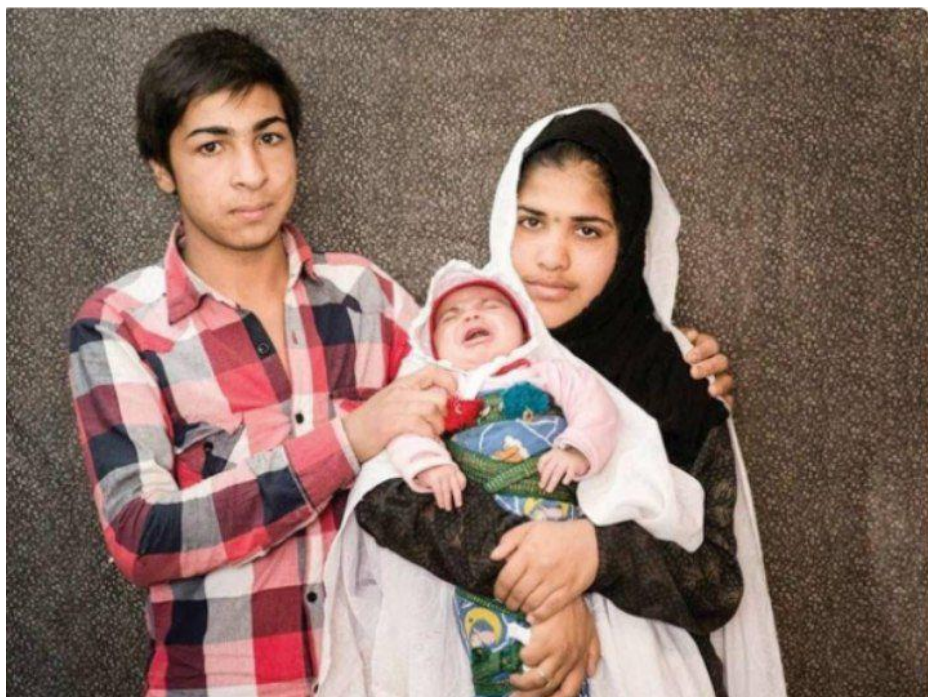
این نتیجه عملکرد کارخانه دارهایی است که صندلی های کانون عالی را اشغال کرده اند و نه تنها نگران مستمری های حقیرانه و دارو و درمان بازنشستگان نیستند و به قول آقای محمد اسدی رییس کانون عالی به این مستمری احتیاجی ندارند.

اسدی کانون عالی را بهتر بشناسیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، محمد اسدی ریاست کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی که دارای تحصیلات فوق لیسانس و کارخانه دار است در جمع اعضای کانون بازنشستگان قزوین اعلام کرده است: «من به اصرار دوستان کاندید می شوم و هیچ نیازی به این حقوق بازنشستگی ندارم» ایشان مخالف شفاف سازی در مورد عملکرد و مسایل مالی کانون قزوین و کانون عالی است چرا که وقتی از ایشان خواسته شد بیلان مالی و عملکرد یکساله کانون عالی را در گروههای بازنشستگی شفاف سازی کند گفت: «چنین چیزی مقدور نیست»

چرا بازنشستگان نباید بدانند در کانون عالی چه می گذرد و اینان با اموال بازنشستگان چه می کنند و چه تصمیماتی می گیرند؟ و با پول بازنشستگان چه خرج هایی می کنند؟ مگر بازنشستگان نامحرم هستند که نبایستی بدانند بر سر اندوخته هایشان چه بلایی از سوی این افراد می آید؟ چرا اسدی ها لیست اموال قبل از نمایندگی و بعد از عضویت در کانون عالی را به بازنشستگان شفاف سازی نمی کنند؟ چرا نمی گویند برای خود چقدر حق جلسه، پاداش، وام، سفرهای آنچنانی آن هم از جیب بازنشسته در نظر می گیرند؟ چرا فرایند بستن قرارداد با آتیه سازان را برای جامعه بازنشستگی شفاف سازی نمی کنید؟ آیا واقعیت دارد که اعضای کانون عالی کارت بیمه طلایی از آتیه سازان برای خود و خانواده شان دارند؟

خب چنین کسی چرا باید برای بالا بردن سطح درمان بازنشسته و افزایش مستمری، خود را به آب و آتش بزند؟ اصلن چرا یک کارخانه دار باید در صندلی که مختص یک کارگر بازنشسته است بنشیند؟ و برای حفظ ریاست کانون عالی خود را به در و دیوار بزند؟ آقای اسدی اگر راست می گویند و از این نمذ برای شما کلاهی نمی رسد و به حقوق بازنشستگی و رانت موجود در کانون عالی احتیاجی ندارید، استعفا بدهید و به کارخانه تان برسید.



ازدواج ۲۷ هزار دختر بچه زیر ۱۵ سال در سال ۱۴۰۱

روزنامه اعتماد نوشت: «گزارش تازه مرکز آمار ایران با عنوان «گزارش وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایران بهار ۱۴۰۲» می‌گوید: در سال ۱۴۰۱ حدود ۲۷ هزار زن زیر ۱۵ سال ازدواج کردند؛ دقیق‌تر آن ۲۶ هزار و ۹۷۴ دختر بچه است»

اینها موارد خشونت علیه زنان است

سیستان و بلوچستان نشانه ناکارآمدی مدیریت کلان!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نماینده سیستان و بلوچستان در شورای عالی استان ها اعتراف می کند که: «۳۰ درصد دانش آموزان به دلیل هزینه های تحصیل به مدرسه نرفته اند و فقط در یک منطقه ۴ هزار دانش آموز مجبور به ترک تحصیل شده اند» در سیستان و بلوچستان آب نیست، مردم هنوز در کپرها زندگی می کنند، تندبادهای شنی زندگی و نفس را از مردم گرفته اند، نیشان نیشان دختران ۱۰ سال به بالا به کشورهای عربی برای فاحشه گری برده می شوند، کار نیست و طی ۴۰ سال در این منطقه یک کارخانه احداث نشده است و کارخانه بافت بلوچ هم نفس های آخر را می کشد. مردم برای گذران زندگی، جان خود را در راه قاچاق سوخت از دست می دهند. بهداشت در مقایسه با دیگر استانهای ایران در حد صفر است و تجارت سیاه اعضای انسان در این استان همه گیر است.

سیاست های ضد انسانی نئولیبرالیستی به خشن ترین وجه در این استان اجرا شده و می شود. هنوز مردم این استان به صورت قبیله ای به امور اجتماعی و سیاسی خود می پردازند و خان ها همه کاره مسایل مردم هستند که بی تردید با این اوضاع می توان به جرات گفت که تمامی خان ها به جز سودجویی برای خود قدمی برای این استان بر نداشته اند.



زنان در کوبا

بخشی از «یادداشت‌های سفر به کوبا» فاطمه صادقی

یکی از شگفتی‌های کوبا به ویژه برای یک زن خاورمیانه‌ای این است که در اینجا اثری از خشونت مردانه، چشم‌چرانی، متلک، توهین و تحقیر زنان وجود ندارد. منظورم این نیست که این جامعه بکلی عاری از خشونت است. اما این‌طور پیداست که برای زنانگی ارزش زیادی قائل است. همه‌جا می‌توان مجسمه‌ی الهه‌ها، قدیسه‌ها، مادران اسطوره‌ای و زنان برجسته با اندام‌های عریان را دید که مردم برای‌شان نذر و نیاز می‌کنند. بدن زن تابو نیست. اگر با معیارهای خودمان بسنجیم، زنان کوبایی نیمه برهنه محسوب می‌شوند. در واقع لباس بیشتر حکم تجمل و زینت را دارد تا پوشش اندام‌ها. اما کسی از بدنش شرمگین نیست و اهمیتی هم نمی‌دهد که اندامش چطور به نظر می‌رسد. راحتی با بدن به معنای اعتمادبه‌نفس زنان است. این‌جا زنان با تن‌شان بسیار راحت‌اند و برخلاف ایران از جنون لاغری، جراحی و تکنولوژی‌های ساخت بدن خبری نیست. این نحو پوشش، مهر بطلانی است بر این افسانه‌ی قدیمی که پوشش زن را مساوی با امنیت می‌داند و عریانی را جواز ناامنی و تجاوز به زن تلقی می‌کند. در واقع در این شیوه‌ی پوشش معصومیتی هست که در حجاب نیست. نظر به آب و هوای حاره‌ای، کم‌پوشی بخشی از این فرهنگ است و به‌هیچ‌رو قباحث ندارد. لذا بدن زنان به هیچ وجه در معرض نظاره‌ی مردان قرار ندارد، بلکه با آن راحت و بسیار طبیعی برخورد می‌شود. کوبا، در قیاس با ایران، جامعه‌ی بسیار زنانه است. مهم‌ترین شاخص این وضعیت، مهربانی مردان با زنان است.

پس از مشاهده‌ی این جامعه عمق نامهربانی جامعه‌ی ایران با زنان و خصومتی که با زن و بدن او دارد، برایم روشن‌تر شد.

حضور زنان و بزرگداشت زنانگی به ویژه در فرهنگ کارناوال بروز می‌یابد که در کوبا ریشه‌دار و عمیق است. کارناوال کوبا در آمریکای لاتین از معروفیت و اعتبار زیادی برخوردار است. این مراسم فرصتی است برای زیرپا گذاشتن تقریباً همه‌ی قواعد رفتاری و زیر سؤال بردن همه‌ی مناسبات قدرت. ابزار و ادوات کارناوال شامل لباس‌ها، ماسک‌ها، تزئینات و موسیقی است که بسیار خیره‌کننده‌اند. زنان سهم مهمی در فرهنگ کارناوال و اجرای این مراسم نا/آیینی دارند. کارناوال فرصتی است برای چالش و تمسخر قواعد رسمی و قوانین نظام پدرسالار. کارناوال هر نوع ساختار قدرتی را به تمسخر می‌گیرد و پوچی و بی‌معنایی‌اش را نشان می‌دهد؛ از قواعد کنترل بدن و پوشش گرفته تا قواعد سیاسی، تمدنی، نژادی، اجتماعی و اقتصادی. در این وضعیت، سلسله‌مراتب در هم می‌ریزند و نظام‌های آقابالاسری کمرنگ می‌شوند. طبعاً رقص و آواز و موسیقی و الکل و در کل هر آنچه که بتواند سلسله‌مراتب را واژگون کند، بخشی از فرهنگ کارناوالی است. برگزاری این مراسم، یادآور تصنع، بی‌ثباتی و شکنندگی قواعد و قوانین رفتاری است. کارناوال عمیقاً سیاسی است. گمانم بر این است که آرامشی که در صورت و رفتار این مردمان هست، تا حدی ریشه در فرهنگ کارناوالی دارد. زنان، تراجنسیت‌ها و سیاهان نقشی پررنگ و بسیار تأثیرگذار در برگزاری کارناوال دارند. در واقع طی این مراسم قدرت خود را به رخ می‌کشند و یادآور می‌شوند که نقش‌های جاافتاده‌ی زنانه و مردانه و سلسله‌مراتب نژادی قراردادی‌اند و بازی می‌شوند. کارناوال با واژگون کردن سلسله‌مراتب متعارف، جایگاه فرادستان را به سخره می‌گیرد و قدرت سرکوب‌شدگان را به رخ می‌کشد. تصورم این است که بخشی از احساس امنیتی که به‌عنوان یک خارجی داشتم، از زنانه‌بودن فضا ناشی می‌شود که در این فرهنگ رسوخ عمیقی دارد. زنان تا پاسی از شب بیرون‌اند و مستمر در حال رفت و آمد در خیابان‌ها. این احساس امنیت بسیار مشهود است. در کوبا اثری از آدم‌ربایی‌ها و دزدی‌های افسانه‌ای آمریکای لاتینی برای مثال در مکزیک، کلمبیا، و ونزولا وجود ندارد. شواهد حاکی از اهتمام انقلابیون به برابری جنسیتی و آزادی زنان است. روسپی‌گری که پیش از انقلاب یکی از راه‌های امرار معاش زنان فقیر بود، امروز به‌مراتب کمتر شده است. کوبا از نظر شاخص‌های برابری جنسیتی در جهان سرآمد است. در قانون اساسی کوبا، زنان از نظر حقوق با مردان برابرند و کمتر از نیمی از بازار کار را زنان تشکیل می‌دهند. زنان همه‌جا هستند: در پارلمان، در بازار کار، در ادارات، در فضای عمومی. کوبا از نظر حضور زنان در پارلمان رتبه‌ی سوم را در جهان دارد و حدود ۴۸ درصد کرسی‌های پارلمان در اختیار زنان است. در مقایسه، ایالات متحده در رتبه‌ی هفتم‌ادم ایستاده است. البته فرهنگ ماچویی (Macho مرد برتر پندار) که در بسیاری از کشورهای لاتینی غالب است، این‌جا نیز به چشم می‌خورد. برای نمونه حضور زنان در گروه‌های موسیقی در قیاس با مردان به مراتب کمتر است.



سال ۱۹۷۰ خبرنگار غربی از غسان کنفانی، نویسنده معروف فلسطینی میپرسد چرا مذاکره نمی‌کنید؟ غسان جواب می‌دهد، اونها حتی حاضر نیستن اسم فلسطین رو قبول کنن! خبرنگار میگه از مردن که بهتره! غسان جواب می‌ده: “برای شما شاید، اما برای ما اینطور نیست، برای ما آزادی سرزمین‌مان، داشتن عزت و احترام و داشتن حقوق انسانی چیزهایی است که به اندازه خود زندگی بر ایمان ضروری است”!

۲ سال بعد از این مصاحبه، غسان توسط موساد در بیروت ترور می‌شود.

غرور کاذب

مارادونا مدتی به خاطر افسردگی پس از ترك اعتیاد در تیمارستان بستری بود،

وقتی مرخص شد حرف قشنگی زد: «اونجا دیوانه های زیادی بودند، یکی میگفت من چگوارا هستم همه باور میکردن، یکی میگفت من گاندی ام همه قبول میکردن. ولی وقتی من گفتم مارادونا هستم همه خندیدن و گفتن هیچ کس مارادونا نمیشه!!.. اونجا بود که من خجالت کشیدم که چه بر سر خودم آوردم. در این دنیا غرور دمار از روزگار آدم در میاره و دقیقا گرفتار چیزی میشی که فکر میکنی هرگز در دامش نخواهی افتاد» مراقب خودتان باشید برگ ها همیشه زمانی میریزند که فکر میکنند طلا شدند. (دیگو آرماندو مارادونا)

تراش روز

خرید و فروش اجزاء و اندام های بدن در بورس معاملات!



داده تهران، مروری که برنشانی نام، چینی بر راه است تا بکس کلمه، شمار، آژوریا، مختار بعد از این مختار، گزین کلمه، او، می کلمه مرز برون، دانش، برون، است...

دو آگهی توجه انگیز:

۱- من يك كليمه با ۸۰۰ هزار تومان میفروشم!

۲- من يك كلمه سالم را ۱۰۰ هزار تومان میخرم!

فردی که در این روزها در بازارهای به کسی...
تین میگوید که یک کلمه سالم به هزار تومان...
توان میاید که در بازار تهران ۲۲۲۲۱۱...
گروه من در بازار...

موقعیت جراحی های بیوند کلیه، بازار خرید و فروش کلیه را رواج میدهد

۱۰ هزار ایرانی بایک «کلیه» زندگی میکنند

کلیه جوان آمریکایی در بدن جوان ایرانی

یکی از تازه ترین و جهان انگیز ترین اخبار ها در زمینه بیوند کلیه، ورود به بازار کلیه، جوان آمریکایی بود که با هزینه میلیون دلار، با یک جوان ایرانی جوانی، با هزینه ۲۰ هزار دلار، توانست کلیه خود را به جوان ایرانی منتقل کند. این جوان ایرانی، در سن ۲۰ سالگی، کلیه خود را به جوان آمریکایی منتقل کرد. این جوان ایرانی، در سن ۲۰ سالگی، کلیه خود را به جوان آمریکایی منتقل کرد.

بیوند های موفق و ناموفق

یکی از تازه ترین و جهان انگیز ترین اخبار ها در زمینه بیوند کلیه، ورود به بازار کلیه، جوان آمریکایی بود که با هزینه میلیون دلار، با یک جوان ایرانی جوانی، با هزینه ۲۰ هزار دلار، توانست کلیه خود را به جوان ایرانی منتقل کند. این جوان ایرانی، در سن ۲۰ سالگی، کلیه خود را به جوان آمریکایی منتقل کرد.

بره روز گذشته، دو کلیه کوچک که بر گوشت...
از بیوند کلیه ها چپ شده بود، کلمه همه کلمه را...
برگشت و با این بار های متعلقه...
گفتی اولی؟
برای ۲۰ سالگی، کلیه را به بازار ۸۰۰ هزار تومان...
میفروشد. بیوند کلیه ها در بازار تهران ۲۲۲۲۱۱...
کلمه کلمه...
یکی کلمه کلمه فاصله سه روز باگهی اول...
چاپ شده!
کلیه های در بازار تهران به جوان ایرانی منتقل...
میکند که یک کلمه سالم به هزار تومان...
میکند.

دوران طلایی شاهنشاه آریامهر خدایگان در زمان ورود به داروزه های تمدن

قاتلان ویکتور خارا در شیلی محکوم شدند! نوشته باربارا ادر منتشره در یونگه ولت آلمان ترجمه مجله هفته

دادگاه عالی احکام زندان طولانی مدت برای افسران سابق را تایید کرد. دادگاه عالی سانتیاگو دی شیلی روز دوشنبه (به وقت محلی) سرانجام هفت افسر بازنشسته ارتش را به دلیل ربودن و قتل ویکتور خارا خواننده و ترانه سرا در یک روند تجدید نظر محکوم کرد. اندکی پس از کودتای ۱۱ آگوستو پینوشه در ۹ سپتامبر ۱۹۷۴، خواننده شیلیایی، یکی از اعضای حزب کمونیست شیلی و از حامیان ائتلاف حول رئیس جمهور مارکسیست سالوادور آلنده، شکنجه و به قتل رسید. لیتره آبراهام کوپروگا کارواخال، وکیل و سیاستمدار در آن زمان نیز همراه او به قتل رسید.

بر اساس بیانیه دادگاه، افسران سابق ارتش رائل جوفر، ادوین دیمتر، نلسون هاسه، ارنستو بتکه، خوان خارا و هرنان چاکون به ۱۵ سال و یک روز زندان برای قتل و ۱۰ سال و یک روز برای آدم ربایی محکوم شدند. دادگاه افسر سابق رولاندو ملو را به عنوان همدست در قتل و آدم ربایی به ترتیب به پنج سال و یک روز و سه سال و یک روز محکوم کرد.

۱۱ سپتامبر پنجاهمین سالگرد کودتای نظامی فاشیستی ژنرال پینوشه علیه دولت منتخب سوسیالیست سالوادور آلنده است. حدود ۳۲۰۰ فعال و چهره مخالف تحت حکومت پینوشه کشته شدند. آهنگ های خارا درباره عشق و اعتراض اجتماعی است. در ۱۳ سپتامبر ۱۹۷۳، دو روز پس از کودتا، جسد او پر از ۴۴ گلوله در استادیوم ملی پایتخت شیلی پیدا شد. دست های خارا له کرده بود، انگشتانش را با ضربات قنداق تفنگ و ضربه چکمه شکسته بود. جسد خارا در ژوئن ۲۰۰۹ نیش قبر شد و شش ماه بعد در سانتیاگو دی شیلی به خاک سپرده شد. استادیوم محل نگهداری و شکنجه این نوازنده به یاد او استادیو ویکتور خارا نامگذاری شده است.

در قسمتی از این استادیوم که دورش حصار کوچکی کشیده اند تا تماشاگران آنجا ننشینند همان جایی است که ویکتورخارا ایستاده و برای همه بازداشت شدگان سرود می خواند.

آیا خودکشی یک رویداد شرعی و شخصی است یا یک رویداد ناخوشایند اجتماعی؟..



چند روز پیش یک دختر چهارده ساله رامهریزی خودش را به دار زد و خودکشی نمود. سه روز پیش هم یک جانباز ۶۰ ساله زمان جنگ ایران و عراق هم در رامهرمز که بسیار هم به شرع و دین و مذهب پایبند بود خودش را به دار زد و خودکشی نمود.

نخست بایستی بی پرده بگوییم که نماینده مردم در مجلس در پاسخ به دادخواهی حقوقی یک شهروند رامهریزی که یک کارگر بازنشسته می باشد و در تاریخ ۱۳ شهریور ماه ۱۴۰۲ درخواستی به نماینده مبنی بر پیگیری مجلس درباره آسیب شناسی خودکشی و پیشگیری از آن را داشت؛ در گفتگوی تلفنی به او گفته بود که خودکشی یک پدیده شرعی و شخصی است و هیچ پیوند و ربطی به مجلس ندارد که به بررسی این پدیده شوم بپردازد. در پاسخ نمایندگان مجلس شورای اسلامی که پیرامون پیاده نمودن لایحه حجاب و عفاف یقه درانی می نمودند بایستی بگوئیم همانگونه که خودکشی و آسیب های اجتماعی به گفته شما و فرمانروایانی که همین مردم آن ها را روی کار آورده اند و به شما مشروعیت بخشیده اند بایستی بگوئیم که حجاب و عفاف نیز امری شخصی و شرعی است و به گفته کتاب قرآن که تنها کتاب مسلمانان هست در دین هیچگونه اجباری نیست و به شما می خواهیم بگوئیم که با زور نمی شود کسی را دیندار نمود و این کار شما یعنی لایحه حجاب و عفاف بر خلاف شرع قرآنی هست.

درباره اینکه خودکشی یک امر شخصی هست نیز بایستی بدانیم که خودکشی یک رویداد ناخوشایند اجتماعی است و بایستی فرمانروایان با کارکردهای بجا و درست و به هنگام، از نابودی جان جوانان این مرز و بوم و سرمایه های این سرزمین پاسداری نمایند.

هنگامی که فرمانروایان با تورم، گرانی و عدم امنیت اقتصادی و روانی به جان مردم افتاده اند و کوچکترین اعتراض و یا اعتصابات حقوقی را برچسب اغتشاشگر می زنند و همه را سرکوب می نمایند و هیچ کاری هم برای درست شدن نابسامانی ها انجام نمی دهند و باز دوباره از روی عمد بر نابسامانی ها می افزایند؛ کاملن پیداست که زمینه آسیب های اجتماعی و روانی فراهم می گردد و ناکامی و نومیدی نسبت به زندگی و آینده نمایان می گردد و به گونه هایی ناهمسان خود را نشان می دهد و می بینیم که مردم همیشه زندگی و آینده را تاریک می بینند و هیچ راهی برای پرداختن به زندگی انسانی نمی بینند

کمترین کاری که نمایندگان مجلس می توانند برای پیشگیری از خودکشی انجام دهند گردآوری هسته های روان شناسی و دانش آموختگان علوم اجتماعی است تا با برگزاری سمینارها و مشاوره های فردی و گروهی و خانواده درمانی برای برخورد با نابسامانی ها به مردم مهارت های حل مساله و ابراز وجود را یاد بدهند تا بتوانند با آگاهی بسیار، آشفته گی های درونی و اجتماعی را از سر بگذرانند و اینکه چگونه خود را بازسازی نمایند. راه حل ها برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی و مهمتر از همه گذر از پدیده خودکشی بسیار آسان است؛ در آن هنگامه ای که خرد و اراده جمعی ما به معضلات مبتلابه جامعه فکر کند و در راستای اقتصادی مردمی و قطع دست دلالتان و اختلاسگران قدم بردارد به گونه ای یکپارچه و هماهنگ تلاش کند جامعه را از مافیای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی پاک کند و مجلسی روی کار بیاید که دغدغه اش نه ماشین های شاسی بلند و وارد کردن متقلبین کنکور به دانشگاه بلکه قدرتمندی صنعت، پایان دادن به پیمانکاری و اجرای مالیات سختگیرانه از ثروتمندان و برداشتن محدودیت از فعالیت های مدنی و صنفی باشد بی تردید امید به زندگی را رقم خواهد زد و آمار خودکشی کاهشی چشمگیر خواهد یافت. **حسین جشن فعال مدنی**

مادر بزرگ می‌گفت:

امام حسین زنده است

یزید زنده است

شمر زنده است؛

ما

می-

خندیدیم.

امروز در خبرها آمده بود:

اسرائیل-

آب را قطع کرده

برق را قطع کرده

اینترنت را-

قطع کرده!

و روزانه دویست نقطه را

موشک باران می‌کند.

مادر بزرگ

بی هوا

گویا-

می دانست:

تا استثمار هست!

آدمها

در همه جا!

تنها-

تکثیر می شوند

انسان...

«فلزیان»

نمی شوند.

پیوند بین کارگران و کوشندگان فعال سندیکایی موجب می شود که نقش عناصر آگاه برای گسترش اقدامات دسته جمعی روز بروز زیادتر شود و قدم های اولیه و لازم برای ایجاد تشکل برداشته شود. یعنی در مرحله اول، تشکل و اقدام دسته جمعی از یک مسئله ساده شروع می شود و سپس مسائل مهم تر و بالاخره به اساسی ترین خواسته های کارگران می رسد.

وقتی مرگ هم طبقه بندی می شود!

این روزها زندگی در ایران طبقاتی شده و انگار همه محاسبه‌ها تمام و کمال بر مبنای پول است. در سرزمینی که دسترسی به انواع پروتئین‌ها برای دستکم ۲۰ میلیون شهروندش ناممکن شده، حالا رستوران‌هایی وجود دارد که هزینه یک شب صرف شام در آن با حقوق یک ماه کارگر برابری می‌کند و دیگری برای خرید یک کفش یا لباس، گاه تا چند برابر دستمزد یک معلم و بازنشسته خرج می‌کند و در مقابل شهروندانی هستند که حالا برای تهیه یک مسکن و سرپناه با بحران مواجه هستند. حالا به نظر می‌رسد که در آخرین مورد از طبقاتی شدن زندگی در ایران، نوبت به سنگ قبر و قبر در تهران رسید و در دوران شهرداری طیف موسوم به عدالت طلبان و انقلابیون نوبت به طبقاتی شدن قبر در بهشت زهرا تهران رسیده است. مدیرعامل سازمان بهشت زهرا (س) گفته است که قیمت قبور در ۳ ناحیه یک، دو و سه متفاوت است و کف قیمت از ۴ میلیون و ۳۰۰ تا ۱۱۵ میلیون تومان برای سه طبقه قبر خواهد بود. در قطعات ناحیه ۳ (قطعات قدیمی، ۱۰ الی ۱۲ ساله)، قیمت ۳ طبقه، ۴۵ میلیون تومان خواهد بود و در ناحیه دو که حدود ۲۴ سال از عمر آن می‌گذرد و اوایل دهه ۸۰ احداث شده قیمت ۳ طبقه، ۷۵ میلیون تومان خواهد بود. در ناحیه یک بهشت زهرا (س) نیز قیمت قبر ۳ طبقه ۱۱۵ میلیون محاسبه خواهد شد. ما این موضوع را رد نمی‌کنیم و از گذشته این مسئله وجود داشته با تلاش‌ها و برگزاری کلاس‌های آموزشی بنا داریم این مشکل را نیز برطرف کنیم. این طبقه بندی قبرها در بهشت زهرا با واکنش‌های متفاوتی رو به رو شد و بسیاری آن را مصداق طبقاتی شدن حتی در مردن برای شهروندان تهرانی دانستند، اما نکته این است که شهرداری تهران پیش از این گفته بود که هر تهرانی یک قبر رایگان در بهشت زهرا خواهد داشت و این مدل فروش قبرها نیز برای شهروندانی است که بخواهند در قطعات دیگری خودشان یا بستگانشان دفن شوند و همچنین تلاش برای قطع دست دلالان در بازار قبر بهشت زهرا است. مساله این است که همجواری با غسالخانه و بخش اداری، قدیمی بودن، داشتن فضای سبز، نبش بودن و امکان وجود جای پارک ماشین یا دسترسی به پارکینگ مناسب، دسترسی به ورودی‌های اصلی، همجواری با مترو، نزدیکی به انشعابات آب و برق، دکه تنقلات، گل‌فروشی و... همه آن چیزهایی است که قبرها را گران‌تر می‌کند.

«هر شهروندی حق دارد در قطعه ای از خاک سرزمینش بدون نگرانی از داشتن یا نداشتن پول، بطور رایگان تا ابد بخسبد. پول گرفتن برای دفن هر شهروند از مصادیق سودجویی سیستم سرمایه داریست که حتا از اجساد هم می خواهد پول کسب کند»



«او خانه‌دار است، کار نمی‌کند!»

هنرمند این اثر، دانش‌آموز کلاس نهم به نام «آجونات سیندهو وینایالا» از کرالا هندوستان است. آجونات همواره از پدر می‌شنید که درباره‌ی همسر خود (مادر آجونات) می‌گوید: «او خانه‌دار است، کار نمی‌کند» و همواره از این نحوه معرفی مادر حیرت می‌کرد، زیرا هرگز مادرش را بی‌کار ندیده بود. کار این کودک شاهکار است او به تمام جزئیات کار مادر در خانه دقت کرده است. کارهایی که هر کدام به تنهایی در جامعه شغل محسوب می‌شود. وی این نقاشی را کشید تا زحمات بی‌پایان مادرش را نشان دهد، و نقاشی را به معلمش نشان داد. معلم، نقاشی را به دفتر ایالتی فرستاد. نقاشی وی در آن مرکز برای جلد "سند بودجه جنسیتی" سال ۲۰-۲۱ انتخاب شد. کار بی‌پایان خانگی ۱۲ آبان، روز زنان خانه‌دار

سال رشد تولید!!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، سید جعفر تشکری هاشمی رییس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر تهران در ۲۸ مهرماه در روزنامه همشهری نوشت: «در سفر به چین با شهردار تهران آقای زاکانی قرارداد خرید ۷۹۱ واگن بسته شد»

بستن این قرارداد نشان داد شهردار فوق ارزشی تهران چقدر به شعار: «سال رشد تولید» اهمیت می دهد. آقای زاکانی و مافیای دلالی که او را سر کار آورده اند ۷۹۱ واگن از چین خریدند تا سال رشد تولید در چین اتفاق بیفتد نه در ایران. تولید ۷۹۱ واگن یعنی ۱۰ سال کار هر روزه با اضافه کاری برای کارگران کارخانه واگن سازی اراک، واگن سازی تهران، واگن سازی پارس. به عبارت دیگر ۱۰ سال کار برای ۲ هزار کارگر. دلالان و مافیای اتاق بازرگانی و شهردار تهران با این کار نشان دادند برای به جیب زدن سود واردات و نابودی تولید حتما حاضرند ایمان که چه عرض کنم بسیاری از چیزها را قربانی کمیسیون های دلالی کنند. وزیر راه می گوید: «۱۰۷ لکوموتیو از ناوگان ترابری به دلیل فرسودگی در ۳ سال گذشته از خدمات دهی خارج شده اند و برای بازسازی ناوگان ریلی به بیش از ۹۰۰ لکوموتیو جدید هم اکنون نیاز داریم (۲۹ مهرماه خبرگزاری ها)» که قرار شده اینها هم از چین خریداری و به ایران آورده شوند. دولت و وزیر صنعت کلاه شان را بالا بیاندازند و با اجازه مافیا نخواهند گذاشت این ۹۰۰ لکوموتیو در ایران ساخته و کارگران از بیکاری نجات پیدا کرده و ارزهای با ارزش نفتی به جای جیب کارگران به جیب دلالان خیانتکار و مسوولین فاسد برود.

مافیای لانه کرده در اقتصاد و صنعت، تولید را زمین گیر کرده و طبقه کارگر را با بیکار سازی عمدی متلاشی می خواهند. نیولیبرالیسم یعنی این.

اتحاد و تشکیلات! مهمترین سلاح زحمتکشان!

رخدادی همیشگی و تکراری عبارت است از حوادث مرگبار در حین کار؛ و رفتار دایمی کارفرماها شانه خالی کردن از مسؤلیت است، به خصوص وقتی که هزینه بیمه مسؤلیت مدنی را نپرداخته باشند با هر حيله ای سعی می کنند از آدای خسارت شانه خالی کنند؛ از جمله اینکه از ابتدا کارگران را بیمه نمی کنند و اسامی آنها را در فهرست کارگران شاغل در پروژه نمی آورند یا در صورت سانحه، از تنظیم برگ سانحه خودداری و اصلاً گزارش حادثه را به اداره کار ارایه نمی دهند. گاهی هم تهیه برگ سانحه را چنان به تأخیر می افکنند که از مهلت مقرر بگذرد و عملاً گویا از بیخ و بن اتفاقی نیفتاده است. کسی و جایی هم چنین مواردی را پیگیری نمی کند مگر اینکه بتوان اصل رویداد را ثابت کرد و کار را به دادگاه کشاند. که این نیز به داشتن وقت و توانایی مالی و امکان پیگیری توسط کارگر زیان دیده نیازمند است. اگر هم رخداد، منجر به مرگ شده باشد، امکان این پیگیری ها توسط بازماندگان، خیلی سخت است و معمولاً خارج از توانایی آنهاست.

از واقعه ای مثال می زنم و اجازه می خواهم از مکان و اسامی یاد نکنم: مهندسی ناظر در تبنای خود با پیمانکار، اجازه داده بود دیواره ترانشه ای عمیق را قالب بندی نکنند. در حین کار، دیواره ترانشه ریزش کرد و دو نفر از کارگران زیر آوار مدفون شدند. تا یاری رسید و کمک شد خاک ها را کنار زدند، آن دو جان سپرده بودند. این اتفاقی نادر نیست بلکه هر ساله صدها نفر از کارگران شریف این سرزمین به اشکال مختلف در هنگام کار جان می بازند. شهدایی بی نام و نشان که سرمایه داران به بهای جان آنها دولتمند شده اند. روزی نیست که به شب رسد و خبر مرگ کارگرانی را نشنویم که در حین کار دچار سانحه شده اند. آن چه روز است که شب شود و از چنین حوادث ناگواری خبر نشویم. آیا تاکنون شنیده اید سرمایه داری دچار حادثه ناشی از کار شود؟ و بمیرد! آیا تا به حال دیده اید پیمانکاری در حین کار آسیب ببیند؟ پاسخ این است که کار را کارگران می کنند و همین ها هستند که دچار حادثه و مرگ می شوند و گرنه سرمایه دارها و پیمانکارها کار نمی کنند تا آسیب و مرگ بر آنها وارد آید. همه شعارهای طبقه سرمایه دار درباره سوابقشان توخالی و سراپا دروغ است. ثروت این طبقه از کار و کوشش به دست نیامده، دولتشان حاصل زحمت نیست. اینها

یاوه گو و دروغگو هستند. ریاکارانی بیحیا و حریص هستند که جز به ثروت اندوزی بیشتر نمی اندیشند و در این راه به هر خیانت و جنایتی دست می زنند. جا دارد در مقابل حرص بسیار سرمایه دارها که به ایمنی، سلامتی و رفاه کارگران اهمیت نمی دهند، زحمتکشان متحد شوند و داد خود بستانند. زحمتکشان جز نیروی اتحاد خود، سلاحی ندارند. اتحاد و تشکیلات، تنها سلاح مسالمت جوی کارگران است برای مهار کردن زیاده خواهی سرمایه داران. به این ترتیب کارگران توفیق می یابند حقوق مشروع خود را درخواست و پیگیری کنند. اتحاد و تشکیلات، بزرگ ترین و قوی ترین دارایی زحمتکشان است.

پیش به سوی اتحاد در سندیکاهای کارگری!

آوار

سقف فرو ریخت و

زیر آوار ماندی.

چندی بعد،

از همان جا برجی افراشتند.

شمع های چوبی پوسیده بود،

زیر بتن خیس و سنگین ماندی؛

از قامت برجی بلند قد کشید.

هر طبقه اش برای شکستن قامت هایی،

برای شکستن قلب هایی کافی!

صابر!

تو که در هفت آسمان

یک ستاره نداشتی،

چه کارت بود به برج چندین طبقه؟!

جز این که به قدر معاش مزد داشتی؟!!

از آن زمان که کودکانِ هم‌سال تو
در کوی و برزن بازی می‌کردند
نان‌آور خانه شدی؛

و بعد،
به آرما توربندی دل بست،
نان از گرده آهن در می‌کشیدی.

آن روز،
گره خاموت‌ها سست،
شمع‌های چوبی بسی کارکرده بودند
و میکسر چه با شتاب،
پرتاب می‌کرد بتنِ آبدارتر از معمول،
سنگین‌تر از همیشه را.
همه چیز برای مردن تو فراهم بود.

کسی جر می و
جایی کوتاهی نکرده‌ست!

تو خود بی‌محابا،
به زیر سقف شتافتی
شمعی خم‌شده را راست کنی
مبادا سقف بریزد
مالک زیان ببیند.

این تو بودی که خطا کردی و
به سوی مرگ رفتی؛

مباد که مالک زیان ببیند!

و ... سقف فروریخت ...

این تو بودی که تقصیر کردی.

بیمه نیز نبودی

کسی هم که مسؤل نیست!

مالک، بی خیال شد از زن و بچه‌ات؛

آن همه سابقه و تجربه‌ات.

آاهه ... صابر!

چه کارگرِ کاری و ورزیده‌ای بودی؛

صد حیف و هزاران دریغ!

زیرِ آوار ماندی،

برای همیشه رفتی.

محمد مسعود ***

دست من ، دست تو

دستهای بیکران.

زنجیری ست به دست .

بجویم دیگری را،

او مرا و من تو را

شاید شویم موج

موجهای بیکران پیکار. م. دلاور

چرا سندیکاهای کارگری وانجمن های صنفی زحمتکشان هر روز محدود تر می شوند؟ مگر آنان جز آزادی فعالیت سندیکایی برای مبارزه باسارقان اقتصادی ، مهاجمین فرهنگی، کار دیگری می خواهند بکنند؟ آزادی و فعالیت سندیکاها وانجمن های صنفی زحمتکشان فرهنگی، جز برای مقابله با خیانتکاران به امنیت ملی، استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، نیست و نخواهد بود. فعالیت سندیکاها برای نظارت بر هر چه اجرایی تر شدن حقوق انسانهاست. برگشت کودکان کار و خیابان به مدارس، دستمزد برابر زنان در مقابل کار مساوی با مردان، لغو هرگونه قرارداد موقت و سفید امضا، قانون کاری در حمایت از زحمتکشان، به دست گرفتن مدیریت تامین اجتماعی توسط کارگران، اجرای مجازات برای صاحبان واحدهای تولیدی که دستمزدهای کارگزارانشان را پرداخت نمی کنند، تصویب دستمزد و مستمری مطابق با تورم توسط نمایندگان واقعی کارگران و بازنشستگان، تعطیل روز کارگر و آزادی اجتماعات کارگری، آزادی همه کوشندگان سندیکایی و صنفی آموزگاران، روزنامه نگاران و برداشته شدن محدودیت فعالیت سندیکاهای کارگری در سراسر ایران.

«سندیکا سازمان طبقه کارگر برای مطالبات خواسته های اقتصادی و اجتماعی است. سندیکا سنگری در مقابل هجوم سرمایه داری به دستاوردهای زحمتکشان است. سندیکا سازمانی طبقاتی، فراگیر و دموکراتیک است. محدود کردن فعالیت طبقه کارگر به مطالبات صرفا اقتصادی، به کارفرمایان امکان می دهد تا سلطه سیاسی واندلوژیک خود را بر زحمتکشان حفظ کند. بنابراین باید خاطر نشان کرد که بینش طبقاتی درباره عرصه فعالیت سندیکایی رشد و تقویت پیدا کند. شاهد این امرهمانا رشد مبارزات زحمتکشان در مجموعه کشورهای سرمایه داری است. بدینسان شرایط مساعدی بیش از پیش برای وحدت زحمتکشان و سازمان های سندیکایی آنان دراین ممالک فراهم می شود. بینش طبقاتی درباره سندیکالیسم به وضوح نشان میدهد که بین مبارزه برای دفاع ازمنافع مادی و معنوی زحمتکشان از یک سو و مبارزه برای آزادی زحمتکشان از استثمار سرمایه داری و سلطه امپریالیستی از سوی دیگر ارتباط نزدیک وجود دارد.»

برگرفته از آموزشهای سندیکایی فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری

درس‌هایی از اعتصاب کارگران سه غول خودروسازی آمریکا: «مذاکره جمعی دیگر پشت درهای بسته نیست!»

5 روز قبل گزارش تحقیقی «این مذاکرات تغییر دهنده بازی‌ست. نه تنها برای کارگران خودروسازی، بلکه برای همه کارگران در کل آمریکا.» اینها بخشی از گفته‌های جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا در جشن پیروزی اتحادیه کارگران خودروسازی در جریان اعتصابات اخیر است. سرانجام پس از شش هفته اعتصاب، اتحادیه کارگران خودروسازی‌های آمریکا (UAW) قراردادهای جدیدی را با سه غول بزرگ خودروسازی آمریکایی منعقد کرد. نمایندگان کارگران توانستند مزایایی را که قبلاً از دست داده بودند را بازگرداند و دستاوردهای جدیدی از جمله افزایش دستمزدها را برای ۱۵۰ هزار عضو اتحادیه که کارگران با قراردادهای موقت هم در میان آنها هستند، بدست آورند. براساس نظرسنجی AP-NORC، این اعتصاب در بین آمریکایی‌ها بسیار محبوب بود و تنها ۹ درصد از مردم از خودروسازان در مقابل کارگران حمایت کردند. در نتیجه این اعتصاب، کارمندان سه شرکت بزرگ خودروسازی آمریکا یعنی فورد، استلانتیس و جنرال موتورز ۲۵ درصد افزایش دستمزد به دست آوردند. در عین حال، اعتصاب اخیر به تبعیض طولانی‌مدت در پرداخت دستمزد میان کارگران تازه استخدام شده و کارگران ارشد که شغل مشابهی داشتند، پایان داد. علیرغم این پیروزی‌های بزرگ، این سه خودروساز به تمام خواسته‌های اولیه UAW پاسخ ندادند. از جمله اینکه تقاضای اولیه اتحادیه برای افزایش دستمزدها تا ۴۰ درصد طی چهار سال، در نهایت به ۲۵ درصد کاهش یافت. همچنین اعتصابات نتوانست حقوق بازنشستگی با مزایای مشخص را برای کارگران تمام وقت استخدام شده پس از سال ۲۰۰۷ تضمین کند. در نهایت، هدف اتحادیه این بود که سه شرکت بزرگ خودروسازی را به سمت هفته کاری چهار روزه سوق دهند، اما خودروسازان تسلیم نشدند. حالا اعضای اتحادیه کارگران خودروسازی در جنرال موتورز، فورد و استلانتیس به کار خود بازگشته‌اند. اما رهبری اتحادیه در حال برنامه ریزی برای اعتصاب بعدی علیه خودروسازان کشور است. او قصد دارد در آینده اعتصابی با ابعاد بزرگتر برگزار کند. شاون فاین (Shawn Fain) رئیس UAW گفته است که «اگر می‌خواهیم اقتصاد را به گونه‌ای بازسازی کنیم که به نفع خیلی‌ها کار کند، نه تنها اعتصاب مهم است، بلکه مهم است که با هم اعتصاب کنیم.» تمایل رئیس اتحادیه کارگران خودروسازی آمریکا برای برگزاری یک اعتصاب بزرگتر در حالیهست که اعتصابات سراسری در آمریکا به دلیل قوانین دست و پاگیر پدیده‌ای نسبتاً نادر است. بخشی از این قضیه به این دلیل تصویب قانون ضد کارگری تافت-هارتلی در سال ۱۹۴۷

است که محدودیت‌هایی را برای انواع اعتصابات که اتحادیه‌های ایالات متحده می‌توانستند به راه بیندازند، ایجاد کرده است. در نتیجه این محدودیت‌ها، اتحادیه‌ها نمی‌توانند برای همراهی با اعتصاب اتحادیه دیگری دست به اعتصاب بزنند. در عین حال آنها نمی‌توانند وارد تنش‌های سیاسی از جمله اعتصاب برای “تغییر دولت” شوند. علاوه بر این، تقریباً نیمی از اعضای اتحادیه ایالات متحده برای کارفرمایان دولتی کار می‌کنند و بسیاری از ایالت‌ها قوانینی دارند که اعتصابات بخش عمومی را ممنوع می‌کند. در عین حال محدودیت‌های شدیدی برای اعتصاب‌ها در دو بخش تجاری، خطوط هوایی و راه‌آهن که توسط اتحادیه‌ها سازماندهی شده‌اند، وجود دارد و اکثر قراردادهای کار شامل بندهایی می‌شود که از اعتصاب در طول مدت قرارداد جلوگیری می‌کند. با وجود اینها، اعضای اتحادیه کارگران خودروسازی، مصمم به استفاده از ابزار اعتصاب به عنوان یکی از اهرم‌های فشار برای افزایش قدرت و امتیازگیری کارگران از طریق سازماندهی جمعی هستند. آنها با تکیه بر تجربیاتی که اخیراً از اعتصاب شش هفته‌ای کارگران سه خودروسازی بزرگ آمریکایی به دست آورده‌اند، در صدد جلب مجدد اعتماد کارگران به عضویت در اتحادیه‌ها بعد از بیش از سه دهه اعتماد و اعتبار از دست رفته هستند. اما دلیل موفقیت اتحادیه کارگران خودروسازی آنهم پس از سالها بی‌اعتمادی به فعالیت اتحادیه‌ها و کاهش محسوس استقبال کارگران از عضویت در اتحادیه‌های کارگری چه بود؟! در ادامه با در نظر گرفتن سیر حرکت اتحادیه کارگران خودروسازی در مسیر اعتصابات اخیر، در جستجوی پاسخی برای این پرسش خواهیم بود. مذاکرات عمومی به جای مذاکرات پشت پرده! سنت روابط کار در آمریکای شمالی مبتنی بر چانه‌زنی خصوصی است. در واقع کارفرمایان این روش را ترجیح می‌دهند. حتی مری بارا، مدیرعامل جنرال موتورز در بیانیه‌ای که روز ۲۹ سپتامبر در جریان مذاکرات میان اتحادیه و شرکتهای خودروسازی منتشر کرد، اعلام کرد که “مذاکره جدی روی میز اتفاق می‌افتد، نه به صورت علنی”!

پرانتز باز

می نویسم: پرنده

پرانتز را نمی بندم

می خواهم پرنده آزاد بماند. (زیبا)

مدیران بی برنامه برای بحران سالمندی!



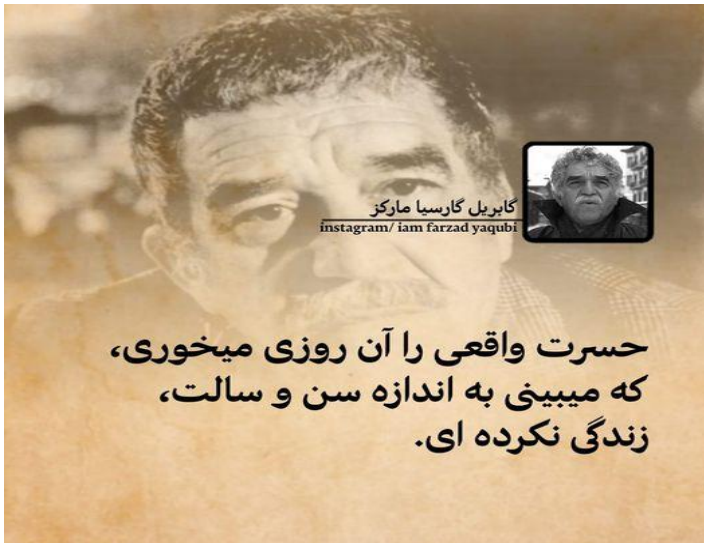
محمد قادری رییس سازمان بهزیستی می گوید: «در طول ۴۰ سال اخیر جمعیت سالمندی ایران ۲ برابر شده و نرخ رشد جمعیت سالمندی از ۵ درصد امروز به ۱۰ درصد افزایش یافته است» یعنی بیش از ۹ میلیون سالمند در کشور وجود دارد. این در حالی است که جمعیت سالمندان حداقل تا ۲۰ سال آینده به ۲۰ میلیون افزایش خواهد یافت. انفجار رشد بی سابقه جمعیت در دهه ۶۰ موجب پیدایش این سالمندان است. پیر شدن جمعیت و ناهمگونی ترازوی جوانی و پیری جمعیت کشور، بحران های بهداشتی، اسکان، درمانی، افزایش مرگ و میر، کوچه خواب ها و رفتارهای غیر انسانی با این سالمندان را بیشتر خواهد کرد. با توجه به نبود زیر ساخت هایی چون سراهای سالمندان چه خصوصی و چه دولتی، متخصصین طب سالمندی، آموزش نگهداری و برخورد با سالمندان و همچنین ورشکستگی عمدی صندوق های بازنشستگی، مشکلات سالمندان را هرچه بیشتر و وضعیت زیست این انسانها را دچار خلل و رنج بار خواهد کرد. در حال حاضر سراهای سالمندان چه دولتی و چه غیردولتی همگی اتاق های انتظار مرگ برای سالمندان هستند و فقط به نگهداری و دادن غذا و تا حدودی به بهداشت و درمان سالمند فکر می کنند و هیچ برنامه مدون برای زندگی انسانی این عزیزان سالمند شده، ندارند. سالمندانی که فقط باید بخورند و بخوابند تا مرگ سراغشان بیاید. از زندگی واقعی در این سراهای سالمندی خبری نیست. در کوچه و خیابان سالمندان کوچه خواب، گدا، دستفروش بسیار زیاد شده اند. مردم هر روزه سالمندان کوچه

خواب که به حال خود رها شده اند را می بینند که بدون سر پناه، بدون دارو و درمان، گرسنه و ویلان در خیابان ها می گردند و کم کم به این پدیده عادت می کنند. متأسفانه بودجه های نازل اختصاص یافته بسیار حقیرانه به سالمندان هم در نهادهایی چون بهزیستی، تامین اجتماعی، صندوق های بازنشستگی، شهرداری ها، استانداری ها... نه تنها در مجرای اصلی خود هزینه نمی شود بلکه دستاویزی است برای سایر بخش ها که به این بودجه ها دست اندازی کنند. شوربختانه سازمان های مردم نهادی هم که وجود دارند به جای مطالبه گری و تلاش برای بهبود وضعیت کنونی سالمندان، خود را درگیر جلسات و کارهای نمایشی کرده اند.

این دستان که امروز می نویسند اگر برای فردای خود، امروز چاره ای نکند به خیل بی پناهان و بی غذایان خواهد پیوست.

امروز که امکان مان هست برای فردا چاره ای کنیم.

دبیرخانه انجمن کنشگران سالمندی ایران ۱۸ آبان



اثرات ورزش در سالمندان!



در هر سنی ورزش کردن به زیبایی و نشاط انسان کمک می کند. البته اگر قبل از ۵۰ سالگی و یا در دوران نوجوانی شروع شود اثرات شگفت انگیزی هم در جوانی و هم در دوران سالمندی خواهد داشت.

ورزش کردن در هر سنی باعث گردش سریعتر خون و جوان تر شدن عضلات می گردد. آنچه در آغاز بازنشستگی و یا از سن ۵۵ سال به بعد برای هر انسانی اتفاق می افتد شل شدن عضلات و آب شدن ماهیچه هاست و در نتیجه انسان تواناییش را در کنترل خود کم کم از دست می دهد. این آب شدن عضلات که در صورت، دست ها، پاها، شکم، باسن اتفاق می افتد باعث می گردد فرد سالمند مانند گذشته نتواند راه برود، جسمی را بلند کند، و یا حتی شلوار را مانند گذشته به تن کند. در این صورت باید کسی به فرد سالمند برای کارهای اولیه زندگی کمک کند و اینجاست که پایه زمینگیر شدن سالمند آغاز می شود.

در زندگی کنونی که فرزندانمان از پس مشکلاتشان بر نمی آیند با ورزش کردن می توانیم خود را سالم نگه داشته و بار مشکلات مان را بر دوش فرزندانمان نگذاریم. با ورزش زیبا، خوش بنیه، و توانا بمانیم.

دبیرخانه انجمن کنشگران سالمندی ایران

خشونت در فضای مجازی

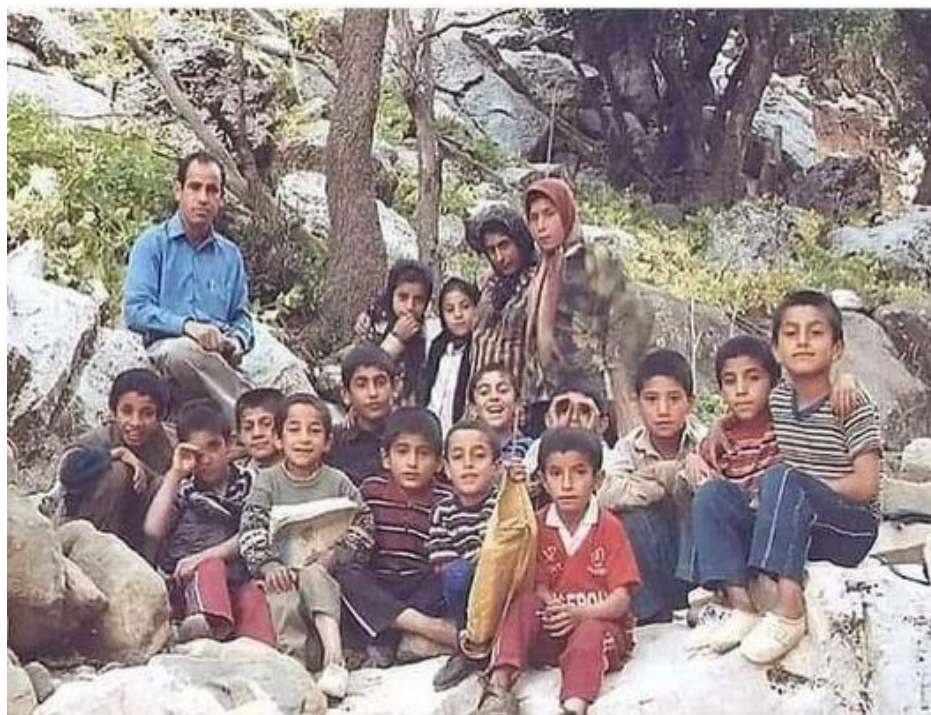
دلیل این‌که، در یکی از عرصه‌های رفتار اجتماعی، یعنی شبکه‌های اجتماعی، خشونت بیشتری از افراد می‌بینیم چیست؟ در ذهن ما اتاق‌های جداگانه‌ای وجود ندارند که ربطی به هم نداشته باشند. ذهن ما یک مجموعه به هم پیوسته است. وقتی فضای عمومی جامعه خشونت را در ذهن ما تحریک می‌کند زمانی‌که در اینستاگرام گفتمان عاشقانه هم داریم ذهن ما همچنان یک ذهن جنگجو است. این آدم‌ها در هر حالتی واکنش خشونت‌آمیز از خود نشان می‌دهند.

❖ در نتیجه تنها به این دلیل ظهور خشونت در فضای مجازی بیشتر است که هزینه‌ی ابراز خشونت در این فضا کمتر از فضای فیزیکی است. ❖

برای مثال در فضای واقعی اگر به کسی آسیب فیزیکی برسانید بلافاصله از طرف آن فرد واکنش می‌بینید یا از شما شکایت می‌کند. اما حمله شما در فضای مجازی معمولاً هزینه‌ای برای تان به دنبال نخواهد داشت چرا که اغلب هویت‌ها کاذب هستند و کمتر هم پیش می‌آید که فرد از شما شکایت کرده و برای تان به خاطر خشونت در فضای مجازی پرونده بسازد. در نتیجه در فضای مجازی پدیده‌ی جداگانه‌ای برای تحلیل وجود ندارد. بلکه فقط فضایی است که کاربران به واسطه هویت مجازی خود با هزینه کمتری ابراز خشونت می‌کنند. ریشه خشونت در فضای مجازی در دنیای واقعی قرار دارد. زمانی‌که در جامعه افراد برای خشونت تحریک می‌شوند تعداد کمی از آن‌ها خشم خود را در فضای حقیقی جامعه تخلیه می‌کنند و اکثر آن‌ها در فضای مجازی با هویت مجازی ابراز خشونت می‌کنند. و این فضا فقط زمینه‌ای برای تخلیه و سرریز شدن خشونت‌های رسانه‌ای و عمومی جامعه است.

به نظر می‌رسد سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی منجر به این شده‌است که خشونت در ما افزایش پیدا کند و باید به دنبال ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی باشیم که هم می‌توانند مستقیم باشد و هم به صورت غیرمستقیم رخ دهند. تاثیرات مستقیم مثل همانندسازی فرد با رسانه است. اگر رسانه‌ها مدل‌های خشونت را به مردم نشان دهند مثلاً اگر قهرمان فیلم‌ها همیشه مسائل را با تفنگ یا خنجر حل‌کنند به تدریج این تبدیل به یک «سرمشق» می‌شود و ما هم زمانی‌که تصادف رانندگی می‌کنیم با قفل فرمان از ماشین پیاده می‌شویم. گاهی اوقات این فرهنگ‌سازی به صورت غیرمستقیم در رسانه انجام می‌گیرد. در واقع رسانه، فضایی را برای ما ایجاد می‌کند که اقتضای آن جنگیدن و خشونت است. رسانه‌ی فراگیر در این مملکت چهار دهه است که دارد راجع به «دشمن» پیام ارسال می‌کند و پخش می‌کند. آن قدر راجع به «برهه‌ی حساس کنونی» در این رسانه صحبت شده که این عبارت تبدیل به یک جوک شده‌است! مخاطبی که این رسانه را باور می‌کند که همیشه به نوعی در حال نواختن شیپور جنگ است همیشه در وضعیت آماده‌باش است! امکان این که واکنش این فرد در موقعیت استرس به صورت خشونت باشد خیلی زیاد است. اضطراب هم یکی از دلایل مهم و اساسی برای فرار گرفتن در موقعیت خشونت‌آمیز است. بی‌ثباتی اقتصادی منجر به وضعیت ترس و وحشت در مردم می‌شود و در وضعیت وحشت احتمال خشونت بیشتر می‌شود. چون یک مرکز واحد در مغز ما مسئول ترس و خشم است. آموزش سندیكای کارگران فلنر کار مکانیک ایران

قهرمانان گمنام کشورمان را بشناسیم!



عزیز محمدی منش، معلم اهل لرستان، ۲۰ ساله
 برای یافتن دانش آموزانی که هرگز شانس برای
 آموزش نداشته‌اند، به کوه‌ها و روستاهای دور
 افتاده میره و با هزینه و خرج خودش بهشون
 خواندن و نوشتن می‌آموزد!
 یکی از قهرمانان گمنام کشورمون رو بشناسید...



تو خودِ خودِ فلسطین هستی
زنده، خندان، زخم خورده، زیبا